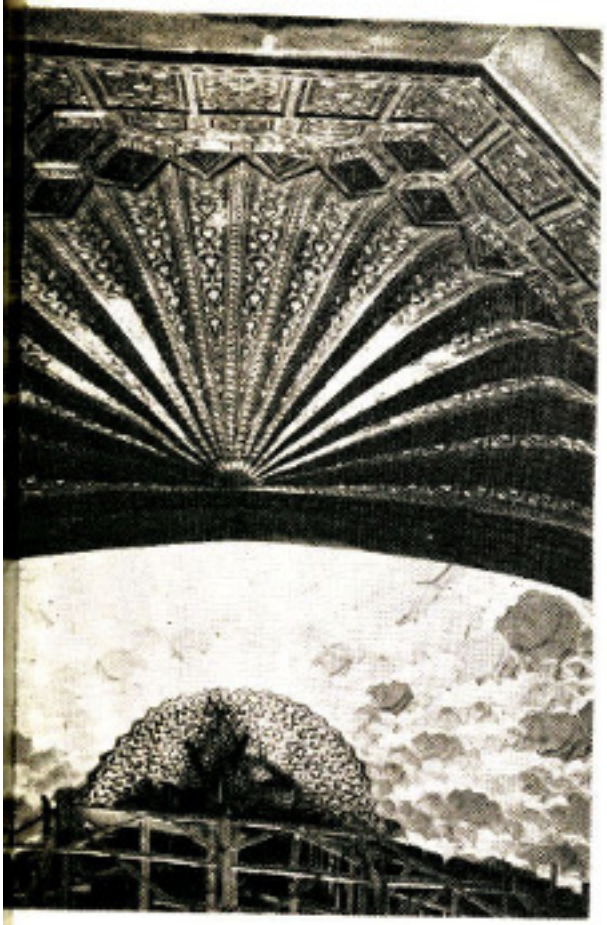

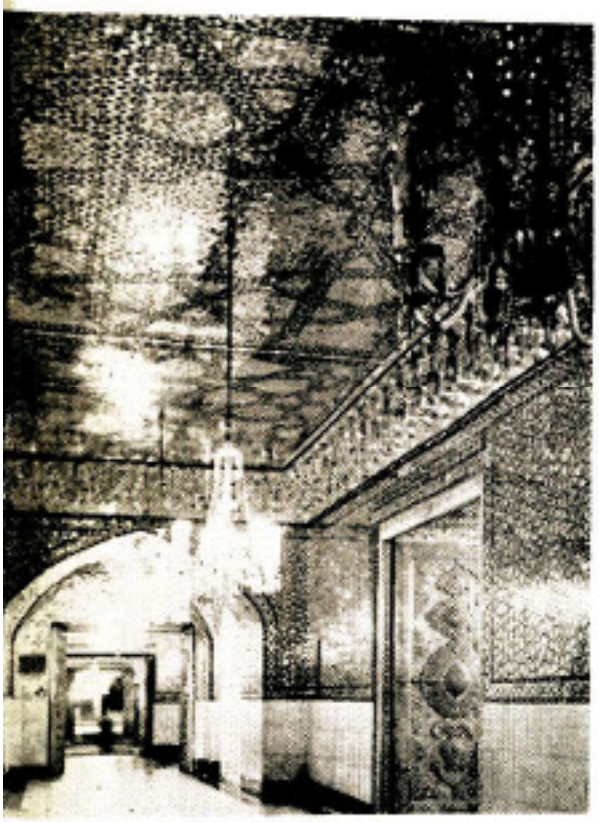

مسجد شیخ لطف‌الله

مسجد شیخ لطف‌ا

گنبد مسجد گوهرشاد

عکس هائی از تزئینات

الله

۲۵۰۰ سال معماری در ایران

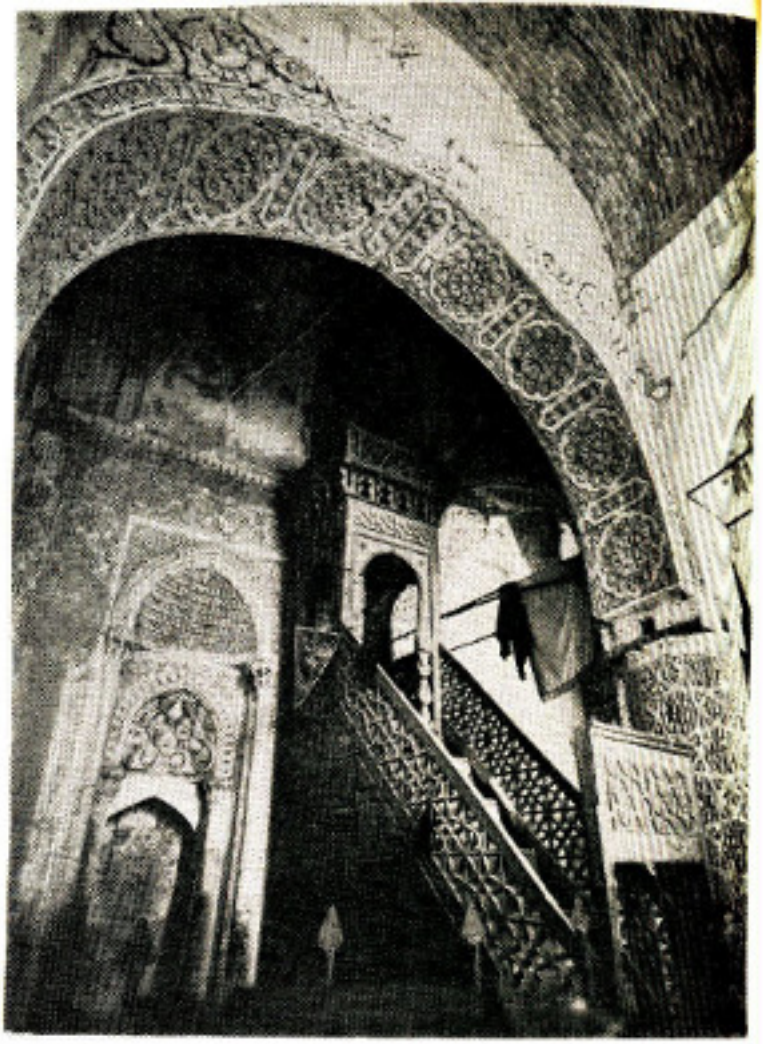

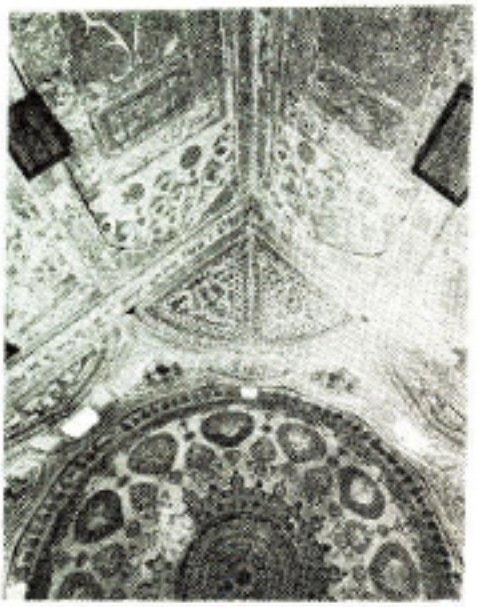

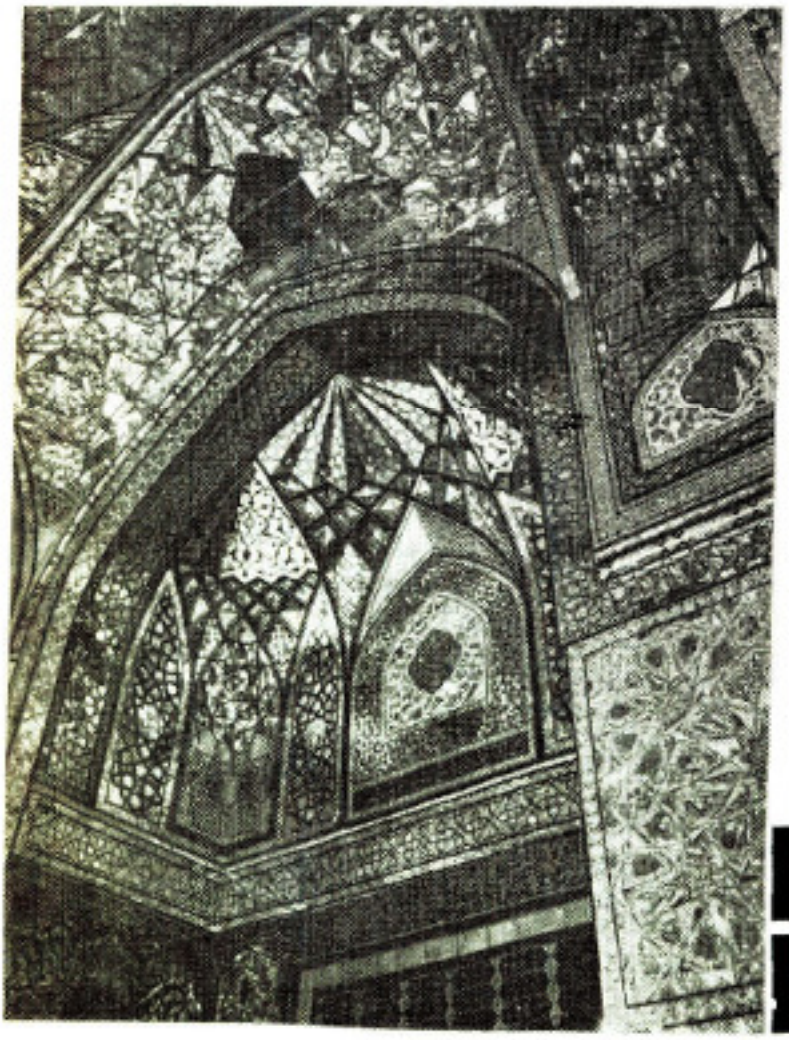

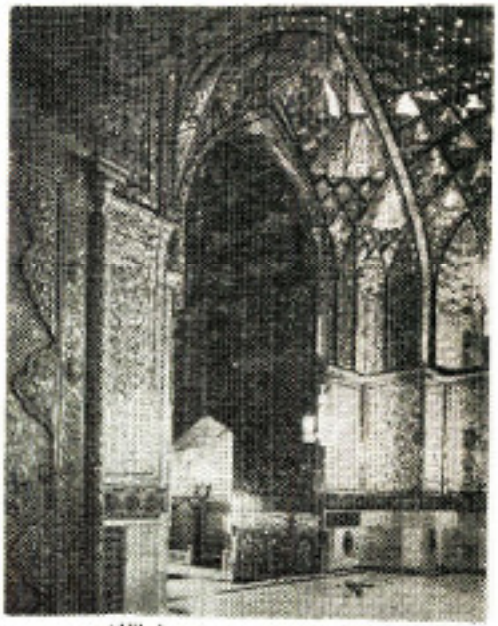

نمونه‌هائی‌از گچ‌بری همراه با نقاشی

تزئینات داخلی زیر گنبد همراه با نقاشی

هنر در خط

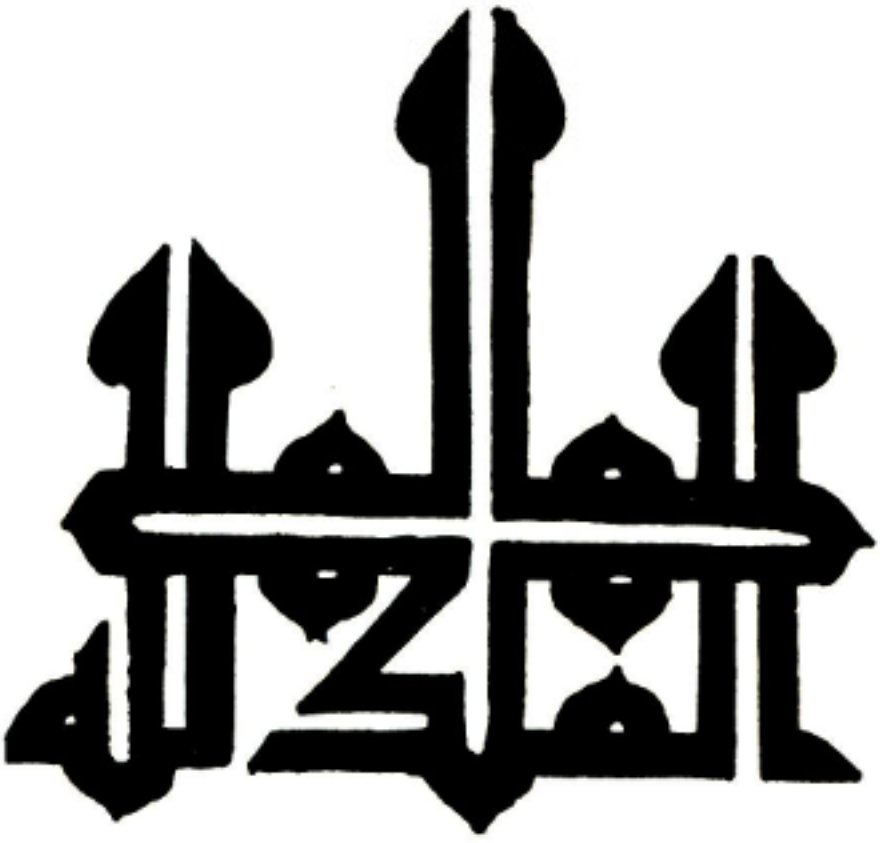

سلطانیه

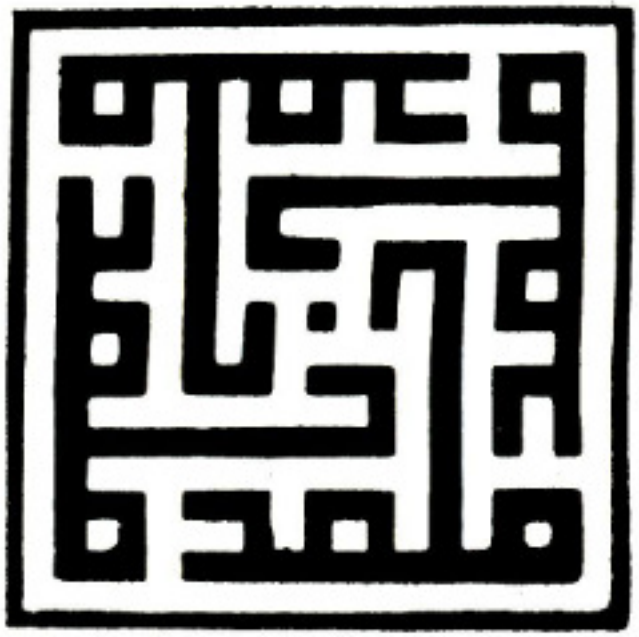

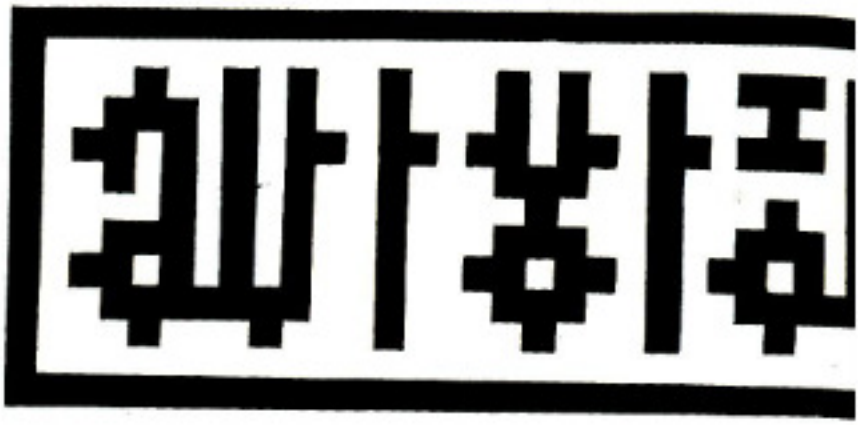

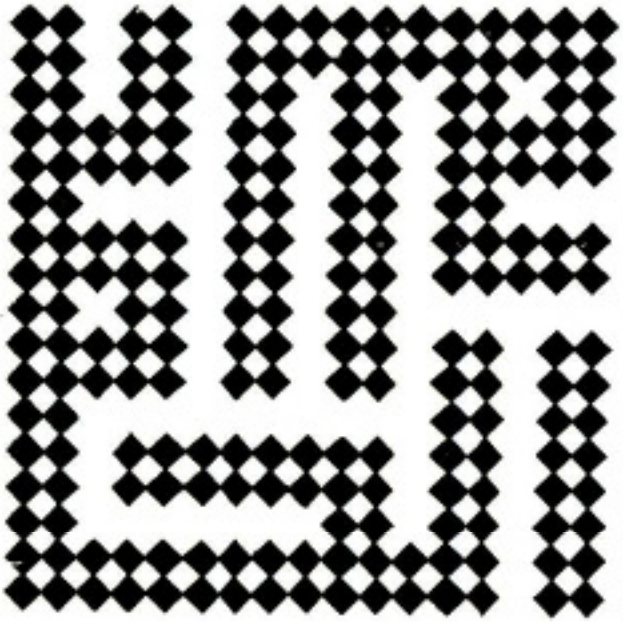

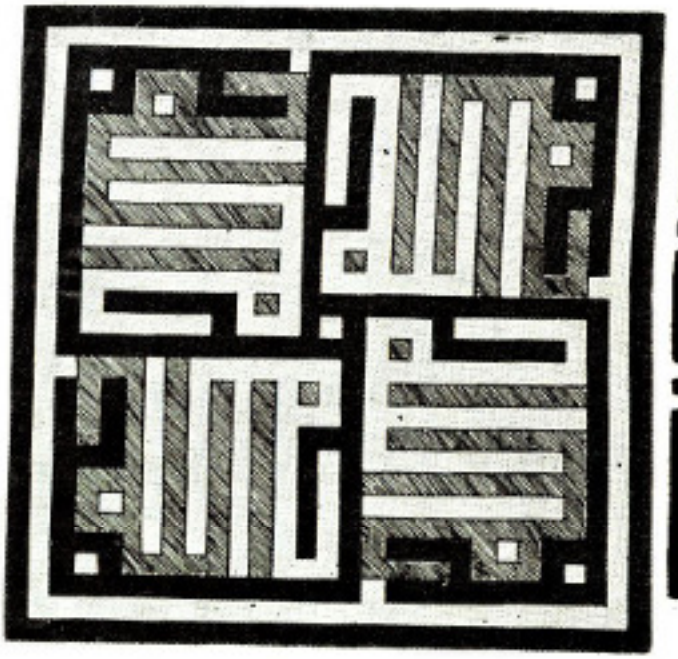

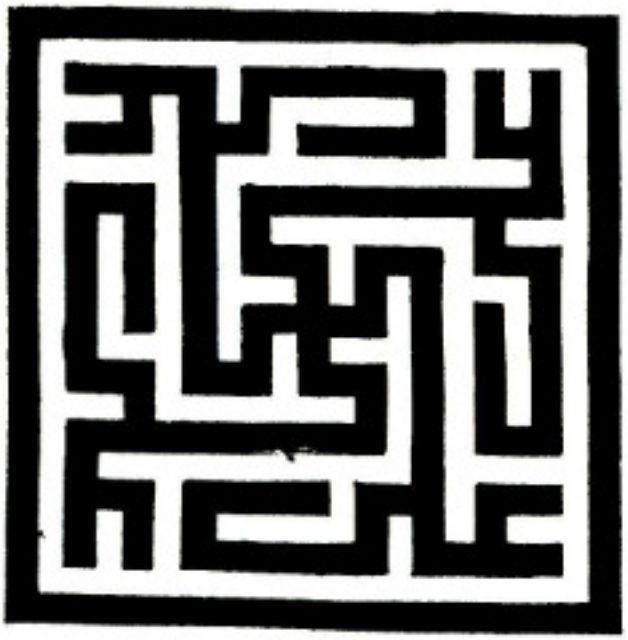

هنر در خط

نوشته‌های مصور در تزئین بناهای معماری ایران

نیّه سلطانیّه

شرفیابی اعضاء هیئت مدیره انجمن آرشیتکتهای ایران

علیاحضرت شهبانوی ایران درساعت هفده و ۴۰ دقیقه روز ۲۶ر۸ر۵۰ اعضاء هیئت مدیره انجمن ارشیتکتهای ایران را بحضور پذیرفتند. در این شرفیابی آقای هوشنگ سیحون گزارش اقدامات وفعالیتهای یک‌ساله انجمن ارشیتکتهای ایران‌را بعرض رسانید و آنگاه علیاحضرت ضمن بیاناتی فرمودند: ایران اکنون‌ازنظر پیشرفت‌دوران مهمی را میگذراند ما که در حال نوسازی هستیم باید بمسئله معماری دوران خود با در نظر گرفتن معماری سنتی ایران توجه کافی داشته باشیم و وظیفه تشکیلاتی مثل انجمن آرشیتکتهای ایران است که معماری سنتی ایران را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهد و کتبی دراین باره بچاپ برساند تا بـرای آرشیتکتهای جوان روشن شود که منظور ما از معماری سنتی چیست و چگونه شـرایط اقلیمی و محیط انسانی و مسائلی نظیر آن در معماری سنتی ما مؤثر بوده و هست.

علیا حضرت شهبانوفرمودند: دوران ما دوره ایست که باید برای رسیدگی بـه هدفهای مملکتی لحظه‌ای از پای نایستد و آنچه مهم است نتایجی است که ما از کوشش های‌خود برای آینده‌مملکت‌بدست میآوریم.

شرفیابی اعضای هیئت مدیره انجمن آرشتیکتهای ایران در ساعت۱۸ و ۳۰دقیقه بپایان رسید.

ساختمان موزه هنرهای مدرن شیراز

علیا حضرت شهبانو فرح کلنگ ساختمان موزه هنرهای مدرن شیراز را که در بالای یکی از تپه‌های مشرف بشهر واقع شده‌بزمین زدند. بابتکار علیاحضرت شهبانو طـرح بنای این موزه‌را «آلوارآلتو» آرشیتکت معروف بین‌المللی تهیه کرده است.

در کانون مهندسین ایران

کانون مهندسین ایران سی‌امین سال خودرا جشن گرفت. در این جشن که در هتل ونک برگزار شد مهنـدسان کشور و میهمانان مورد استقبال آقای مهندس شریف امامی رئیس کانون و آقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورایملی قرارگرفتند.

آقای مهندس شریف‌امامی در نطقی که باین مناسبت ایراد کرد گفت: دوام کانون دراین۳۰ سال مرهون‌حسن تفاهم وهمکاری کامل یکایک اعضای آن بوده است وبدنبال سخنان خود اضافه نمودکه اعضای کانون در اجرای طرحهای عمرانی کشور سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اندکه این امر برای جامعه مهندسان کمال سربلندیست.

نمایشگاهها

نمایشگاه عکس رنگی ایران باستـان وگوشه‌ای ازتحولات دوران انقلاب درسالن موزه جدید ایران باستان گشایش یافت.

در سالن‌نوبنیاد ایران باستان نمایشگاه نقاشی دورنمای هنرمعاصر فرانسه‌افتتاح‌شد.

در گالری سپید بمناسبت چهـارمین جشن‌فرهنگ‌و هنرنمایشگاهی ازآثار نقاشان جـوان: همـا بنـائی، صدیقه حسینی، نسرین کرباسی وجواد غفـوری به نمایش درآمد.

نمایشگاهی از آثار نقاشی ثمیلا امیر ابراهیمی در خانه آفتاب گشایش ایافت.

چند قبل بوسیله اداره فرهنگ و هنر نمایشگاهی از کـارهای نقاشی و مجسمـه (هنری مور) در شیراز بمعرض تماشا درآمد.

آثار نقاشان جوان: مهران ــ مؤید وعباس دریسی در شیراز افتتاح شد.

در نمایشگاه بین‌المللی ایـران از پیشرفت استانهای کشور نمایشگاهی ترتیب یافت که مورد بازدید علاقمندان قرارگرفت.

نخستین سمپوزیوم معماری و شهرسازی

۱۳۵۰/۸/۱۴

نخستین سمپوزیوم معماری و شهرسازی

گزارش مختصری از سمپوزیوم معماری و شهرسازی (مسکن)

در اجرای توصیه اولین کنگره معماری ایران که در شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در اصفهان برگزار گردید اولین سمپوزیوم معماری وشهرسازی صبح روز شنبه چهارم دیماه ۱۳۵۰ با سخنان آقای آموزگار وزیر آبادانی ومسکن در هتل اینترکنتینال تهران افتتاح گردید . آقای وزیر آبادانی و مسکن در نطق افتتاحیه خود ضمن تاکید اهمیت مسئله مسکن خاطر نشان ساخت که بعلت بی‌توجهی بامر مسکن در گذشته نابسامانیهای فراوانی‌در شهرها ایجادگردیده‌است بنابراین باید باین نکته مهم توجه کامل داشته باشیم که انطباق طرحها و برنامه های مسکن و خانه سازی با محیط و شرایط اقلیمی ، نوع مصالح ساختمانی وسبك معماری برای کشور کاملا ضروری است واگر امروز بفکر حل این مسئله‌نباشیم درآینده بامشکلات بیشتری مواجه خواهیم بود .

ایشان اضافه نمودند که وزارت آبادانی و مسکن و مؤسسات تابعه آن که در امرتهیه مسکن فعالیت دارند باید با احساس مسئولیت وظائف خطیر خود را بنحو احسن انجام دهند . وزارت آبادانی و مسکن برای روشن شدن وظائف وتفکیك مسئولیتها و همچنین جلوگیری از بی‌نظمی در گسترش شهرها وحفظ اصالت‌معماری وبافت شهری و تطبیق شرایط اقلیمی، طرحهای‌تهیه مسکن‌قوانینی نظیر قانون نظام معماری و ساختمانی و طرح قانونی‌تأسیس شورایعالی‌شهرسازی ومعماری تهیه و تدوین نموده است که بزودی وپس‌از تائید هیات وزیران برای تصویب قوه‌مقننه تقدیم خواهد شد .

آقای وزیر آبادانی ومسکن درخاتمه بیانات خود ضمن اظهار تاسف از بیماری و عدم شرکت آقای مهندس بدیع دبیرکل شورایعالی شهر سازی و دبیر کل کنگره معماری ایران ، موفقیت سمپوزیوم‌را درنیل بهدفی‌که از تشکیل آن معلوم نظر است خواستار شد .

پس از سخنان آقای وزیر آبادانی و مسکن گزارش دبیرکل سمپوزیوم قرائت گردید . آقای مهندس بدیع دبیر کل سمپوزیوم در گزارش خود یادآور شده بود متاسفانه بعلت عدم پیش بینیهای لازم توسعه شهرها غالبا روی اصول صحیح انجام نگرفته و ساختمانهای جدیدیکه بوجود آمده است نه تنها با اصول معماری جدید انطباق زیاد ندارد بلکه در ایجاد آنها شرایط جغرافیائی و خصوصیات‌خاص جامعه ایرانی کمتر رعایت گردیده‌است .

بنابراین اینك که موضوع مسکن‌بعنوان مسئله روز مورد توجه خاص قرار گرفته و برنامه وسیعی‌برای ایجادواحدهای‌مسکونی تدارك دیده شده‌است مباحثات و گفتگوهای سمپوزیوم حاضر میتواند نقشی بسیار سازنده ومفید در جهت تحقق بخشیدن به آمیزش سنتی واصول جدید معماری ایفا کند .

سپس اولین جلسه سخنرانیهای سمپوزیوم بریاست‌آقای سناتورمحسن فروغی‌آغاز بکار کرد .

دومین روز جلسه نیز بریاست آقای بهنیا مدیر عامل ورئیس هیات مدیره بانك رهنی ایران اداره شد و سومین روز جلسه بریاست آقای علی صادق رسمیت یافت ودر طی مدت این سمپوزیوم از طرف اساتید مشروحه زیر سخنرانی‌شد ورساله‌هائی ارسال گردید :

الف ــ مسائل اجتماعی واقتصادی مسکن

۱ ــ آقای بهنیا مسکن ومسائل اعتباری آن
۲ ــ آقای شاهپور راسخ گذشته، حال و آینده مسکن در ایران
۳ ــ تیمسار سرلشکر میرحسین عاطفی مسکن در شهرها وروستاها
٤ ــ آقای کامران دیبا خانه سازی برای طبقات کم‌درآمد
۵ ــ آقای بهروز حبیبی عوامل خارجی وداخلی موثر در مسکن

ب ــ مسکن و شهرسازی

۱ ــ آقای خسرو معاون مختصری از مطالعات و نتیجه‌گیریهای طرح جامع تهران نسبت به عامل مسکن
۲ ــ آقای نادر اردلان بافت شهرهای ایران ــ نظم‌یا بی‌نظمی
۳ ــ آقای فیروزافروز سخنی‌چندپیرامون خانه سازی
٤ ــ آقای عبدالحمیداشراق حفاظت‌بافت شهرها
۵ ــ آقای‌اسکندریرمیان هم‌آهنگی‌مسکن وبافت شهرها از نقطه نظر هنری ونظام اجتماعی
٦ ــ آقای احمد عظیمی مسکن و برنامه ریزی شهری
۷ ــ آقای کاظم ودیعی ارکان یك‌سیاست ملی مسکن

ج ــ مسائل معماری مسکن

۱ ــ آقای‌علی سردار افخمی تحولات‌وضع خانه سازی در ۳۰ سال اخیر
۲ ــ آقای جهانشاه درخشانی مسکن در نقاط زلزله‌خیز
۳ ــ آقای منصور فلامکی نکاتی درباره خانه ومسکن در ایران از دیروز تا فردا
٤ ــ آقای ایرج اعتصام مسکن در حال حاضر
۵ ــ آقای اصغر ساعد سمیعی کی وکجا مسکن بسازیم
٦ ــ آقای محمود علی‌آبادی بررسی‌مسکن برای آینده
۷ ــ آقای‌مهدی علی‌آبادی مسائل‌اعتباری مربوط به مسکن کارگران وسایر طبقات کم‌درآمد
۸ ــ آقای مهندس حسن برمك وضع کنونی مسکن در نقاط شهری ایران
۹ ــ آقای‌جهانگیر مظلوم مسکن وعوامل مربوط به آن
۱۰ ــ آقای علی اصغر طلا میثائی انعکاس تحول و رشائس قرن بیستم (جانشینی ساخت‌بجای عنصر) درنظام مسکونی
۱۱ ــ آقای داریوش بوربور اثرات نسیم درخانه‌سازی برای‌کرانه‌های بحرخزر
۱۲ ــ آقای ایرج شجاعی بررسی متدمائی عوامل زیر بنائی مسکن
۱۳ ــ آقای بهروز کورانلو اصول‌کلی سیاست برنامه ریزی مسکن درایران
۱٤ ــ آقای کیومرث میرزا بهرام مسکن در رابط با طرحهای جامع شهری
۱۵ ــ آقای ایرج زنگانه اثرات تاسیسات جامعه‌ای در مسکن
۱٦ ــ آقای‌علی‌شیبانی شهرسازی ومسکن، حال و آینده

از سخنرانی های عدیده ومباحثاتی‌که انجام شد میتوان نکات زیر را بعنوان نتیجه ذکر کرد :

۱ ــ مسائل کلی و برنامه ریزی

۱ ــ نظر به اهمیت موضوع مسکن و تنوع مسائلی که طراحان و مجریان چه در بخش خصوصی وچه در بخش دولتی باآن روبرو میباشند همانطور که در قطعنامه کنگره سال ۱۳۴۹ اظهار شده تشکیل مجدد سمپوزیوم هرسال یکبار برای بحث درباره آنچه که انجام شده و آنچه که باید انجام شود مطلوب ومستند باشد و در سمپوزیوم های بعدی باید مسائل خاص بطور محدود و مشخص مطرح شوند تا حتی‌الامکان برنتایج عملی منجر گردد .

۲ ــ مضیقه مسکن در شرایط حاضر ایجاب میکند که در برنامه پنجم عمرانی کشورو برنامه‌های بعدبرای مسکن برخلاف قبلی اولویت خاصی قائل گردند و فصل جداگانه‌ای مجزا از فصل ساختمان برای آن در نظر گیرند .

۳ ــ هرچند در سالهای اخیر کوشش هائی در جهت بررسی کل احتیاجات مسکن بعمل آمده وبرنامه هائی تهیه و پیشنهاد گردیده است ولی‌چنین‌بنظر میرسدکه هنوز دراین زمینه باید سعی و کوشش فراوان و پی‌گیر مبذول و همکاری نزدیك بین موسساتی‌که در این‌راه فعالیت‌دارند (وزارت آبادانی و مسکن، بانك مرکزی‌ایران مرکز آمار ایران ، بانك رهنی ایران و موسسات علمی و تحقیقاتی) بوجود آید و مخصوصا شهرداریها برای همکاریهای مستمر جهت تهیه آمارهای فعالیت‌و روشن کردن‌گرایش های کمی وکیفی و بررسی مصالح و غیره تجهیز شوند تا در ظرف چند سال نکات تاریك ، روش و مجهولاتی که در حال حاضر موجود است معلوم گردند .

٤ ــ در بررسیها و تهیه برنامه‌ها و طرحها مخصوصا باید به احتیاجات وخواسته های فشرده مختلف اجتماع که باعث رضای خاطر وآرامش روحی میگردد توجه کرد و ضوابط و معیارها را تا حدامکان با آنها منطبق ساخت ولی بنحوی که عقب ماندگی های بهداشتی واجتماعی بتدریج رفع گردند.

۳ ــ مسائل مربوط به زمین وتاسیسات و تجهیزات شهری

۱ــ تامین زمینهای کافی با تاسیسات و تجهیزات و به قیمت مناسب همانطورکه دولت اعلام نموده‌است مقدمه‌لازم براجرای برنامه‌های خانه سازی است .

۲ ــ حل مشکل زمینهای‌شهری واجد تاسیسات که‌نارسائی قوانین ومقررات‌موجود مانع‌از نوسازی واستفاده بهتر ازآنهامیگردد در عرصه زمین برای‌ساختمان مستقیما تاثیر خواهدکرد .

۳ ــ مسائل مربوط به شهرسازی ومعماری

۱ ــ در طرحهای شهر سازی حمایت از بافتهای سنتی فقط تا حدی که موجب اختلال در نظام شهری نباشد مطلوب‌میباشد.

۲ ــ اجرای تدریجی طرحهای جامع شهری بایدبوسیله‌وضع‌مقررات قانونی‌مترقی که بارعایت جهات لازم تدوین شده باشد تامین گردد و طرحهای تفصیلی واجرائی مغایر با اصول اساسی طرح کلی نباشد .

۳ــ ازلحاظ معماری‌در تهیه‌طرحهای ساختمانی اعم از انفرادی یا آپارتمان از تقلید کورکورانه نمونه‌های‌خارجی اجتناب شود وبدون‌افراط درتقلید ازگذشته‌مقتضیات طبیعی‌و شرایط اقلیمی‌واجتماعات گروه‌های مختلف و اجتماعی مصالح‌کلی‌کشور رعایت گردد . واین موضوع در درجه اول درمورد ساختمان های مسکونی دسته جمعی‌که توسط دولت ویاسازمانهای وابسته بآن‌ایجاد میشود مورد توجه قرار گیرد .

٤ ــ مسائل مربوط به اعتبارات

۱ ــ برای تامین مسکن طبقات‌بی‌بضاعت وکم درآمد تخصیص اعتبارات کافی در بودجه های سنواتی‌کشور ضرورت تام دارد چه ، این سرمایه‌ها در شرایط عادی قابل برگشت نیست وبخش خصوصی نیزدر مورد این طبقه تمایلی برای سرمایه‌گذاری‌ندارد .

۲ــ برای طبقات متوسط اعتبارات دولتی بصورت وام لازم است‌بخش خصوصی مخصوصا باید تجهیز پس‌اندازها و تدوین مقررات واحدی برای تاسیس صندوق پس‌انداز مسکن در تمام سیستم بانکی‌کشور واستفاده از کمك بهره برای جلب سرمایه‌ها و کمك به شرکتهای پس‌انداز وام مسکن و تسهیلات و معافیت مالیاتی‌برای آن‌قسمت از درآمد موسسات ساختمانی که مجددا در خانه‌سازی سرمایه‌گذاری میشود و پرداخت جوائز به‌افراد طبقات کم‌درآمد که‌از محل درآمدهای خود به تهیه مسکن میپردازند و امثال آن توجه شود .

۵ ــ مسائل اجرائی

۱ ــ برای استفاده از تکنولوژی جدید و تحقیقات درباره مصالح ساختمانی وروش های اجرائی ساختمانها تاسیس یك مرکز تحقیقات و مطالعات ساختمان و خانه سازی لازم و مفید بنظر میرسد .

۲ ــ اجرای برنامه‌های وسیع خانه‌سازی مستلزم ایجاد مکانیسم های لازم از قبیل‌ایجاد موسسات‌خانه سازی‌وابسته به‌بخش دولتی و خصوصی برای طبقات کم‌درآمد بوجود آمدن شرکتهای بزرگ خانه سازی برای سایر طبقات میباشد این موسسات و شرکتهای باید از حمایت کافی برخوردار شوند مخصوصا اطمینان داشته باشند که هر سال تعداد کافی عملیات متناسب با سرمایه و تشکیلات و تجهیزات‌خود خواهند داشت.

۳ ــ مسئله صنعتی کردن ساختمانها بطور کلی از لحاظ آتیه بسیار جالب میباشد و باید از هم اکنون مورد توجه قرارگیرد تا شرایط‌صحیح اقتصادی واتخاذ این روشها در کشور ایران مشخص و معین شود و اختلاف نظر های‌موجود رفع گردد.

٤ ــ اجرای یك برنامه صحیح خانه سازی البته مستلزم ترتیب کادر وکارگران ماهر در رشته های مختلف میباشد آموزش لازم باید به‌تناسب‌برنامه های‌انسانی درسطح استانها انجام پذیرد .

۵ ــ تشویق‌و کمك‌به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی جهت ایجاد کارخانجات تولید مصالح بخصوصی در شهرهای بزرگ و قطبهای‌توسعه از طریق‌اعطای وام وغیره.

٦ ــ چون اجرای صحیح وسریع برنامه های وسیع خانه‌سازی مستلزم بکار بردن‌روشهای‌علمی مدیریت میباشدلذا توجه به تعلیم این روشها به مسئولان اجرائی ضرورت تام دارد و چنین بنظر میرسدکه موسسات خصوصی ساختمانی وسندیکای پیمانکاران باید دراین کار مقدم شوند .

تسلیت

کارو قازاریان آرشیتکت جوان و هنرمند ، ازبین ما رفت . در سوك این‌همکار، ابراز تاسف وتاثر بسیارگردید ودر غم و اندوه بازماندگانش همدردی شد .

انجمن آرشیتکتهای ایران مجلسی بمناسبت درگذشتش در باشگاه آرامنه ساعت ۸ روز شنبه دوم بهمن ماه ۵۰ ترتیب دادکه در آن جمعی از همکاران و خویشاوندان و دوستان بدورهم جمع شدند . از طرف آقای هوشنگ سیحون رئیس انجمن باابراز احساس عمیق از عوالم زندگی وهنر کارو مطالبی بیان شد ودیگر دوستان متوفا بیاد صمیمیت وتلاشهای اظهاراتی نمودند .

هیئت تحریریه مجله هنر ومعماری و کلیه کارمندانش باردیگر ضمن اظهارتاثر مراتب‌تسلیت‌خودرا بخانواده‌نامبرد بخصوص خانم لیلی ماری لازاریان خواهر گرامیش تقدیم میدارد و برای آنها صبر وشکیبائی آرزو دارد .

نمایشگاه آثار نقاشی سیحون

نمایشگاه آثار مهندس هوشنگ سیحون در کارگری هنری دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا وهمچنین ماساچوست امریکا
نقل از روزنامه های اطلاعات و کیهان
شماره‌های : ۱۳۷۲۵ اطلاعات و ۸۵۸۶ کیهان

روزنامه‌اطلاعات بدنبال‌چاپ عکس‌ویك اثر نقاشی « خط وخیـال » وبیوگرافی سیحون مینویسد :

چندی‌پیش نمایشگاهی در سانتاباربارا (لوس‌آنجلس) ترتیب یافت ، این آثار که چشم اندازی از معماری بومی ایران بود در کنار اسکیس های معماری فرانك‌لویـد رایت عرضه شده بود یکی از منتقدان درباره این نمایشگاه‌نوشت طرحهای‌معماری مهندس سیحون در مقایسه با کار رایت اثر بیشتری بربیننده نمایشگاه‌میگذارد. طرحهای سریع رایت که‌با محاسبات معماری همراه‌است‌هرگز نمی‌تواند آن فضای معماری را کـه آثار سیحون عرضه میکند داشته بـاشد . ما در میان آثار او امکان تماشای یك اثر معماری را بدست می‌آوریم . پس ازاین نمایشگاه‌بود که آثار نقاشی سیحون در اروپـا اهمیتی یافت . از آن پس که کنفرانس های او در شهرهای مختلف اروپا معماری ایران را باز شناسانده بود .

در همین ایام بخش فرهنگی ماسا ـ چوست که با آثار تازه سیحون (سری‌خط در خیال) آشنا شده بود از او خواست که پنج اثرخودرا برای آشنائی‌بیشتر به‌نمایشگاه بفرستدو درآخر برای او نوشت که دراین فصل در نمایشگاه آثار او را در کارپیکاسو ودالی عرضه خواهد کرد .

و برای اولین‌بار که یك شرقی در کنار دو هنرمند بزرگ هنر قرن بیستم آثار خودرا ارائه میکرد .

روزنامه کیهان نیز ضمن چاپ کروکی «بازارکهنه» یکی‌ازآثار«هوشنگ سیحون» که درتالار«هرتر»دانشگاه «ماساچوست» به نمایش گذاشته‌شده‌است گفت وشنودکوتاهی با « سیحون» انجام داده ودر مقدمه این بحث از قول منتقدین هنری روزنامه‌های خارجی میویسد :

«ریچاردآمس »منتقد هنری روزنامه « سانتا باربارا » که قبلا از نمایشگاه آثار سیحون ، زیر عنوان « خط و خیال » در دانشگاه کالیفرنیا دیدن کرده است . درباره نمایش آثار هنرمند ایرانی در کنار آثار دو چهره ماندگار دنیای نقاشی امروز ، نوشته است : طرح های آبستره «سیحون» نقاش ایرانی ، خبر از اندیشه و تصوری‌توانا میدهد . لمس عاطفی طرح های این هنرمند چنان است‌که تماشاگر مدتهابه تماشامی‌ایستد ودر خطوطی که او بجان هم انداخته است ، زندگی‌می‌کند. من درطرحهای واقع‌گرایانه او دیده بودم‌که چگونه‌به حجم های آبستره طبیعت سرشار . توجه دارد و حالا می‌بینیم که این‌توسعه به‌دریافتی‌دقیق ازابستراکسیون کشیده است .

وی سپس طرحهای معماری سیحون‌را با طرحهای «لویت رایت» آرشیتکت نامی امریکائی مقایسه کرده و نوشته است :

نمایشی که « سیحون » از ساختمانها، دهکده‌ها و مناظربوجود آورده است‌هیجانی غیرمنتظره را سبب میشود . این طرحهـا لطف تماشای ساختمانها را ، به هنگامی‌که از میانشان میگذریم ، نشان میدهد . این تجربه‌ایست که‌در آثار «رایت» به فراموشی سپرده شده است .

« دیوید گبهارد» مدیر گالریهـای هنری روزنامه « دیلی نگروس » ، چاپ کالیفرنیا ، نوشته است : طرحهای آبستره « هوشنگ سیحون » نقاش ایرانی نمایشـی است از دریافت زندگی خط و خطها. و گرایشی به یك خواست آزاد وآرزو شده برای پی‌جوئی نمود های آبستره طبیعت ، «سیحون»به خطوط‌بعدی عاطفی‌وگاه‌هیجان انگیز می‌بخشد و طرحهایش سرشار از تحرك و زندگی ، شادیها و خشونت‌های صمیمی‌یك زندگی ابتدایی را بارور می‌کند .

همچنین جراید دیگر داخلی وخارجی مطالبی درباره آثار سیحون نوشته‌اند کـه اهمیت جهانی آثار وی را جلوه‌گر میسازد.

منتشر شد :

فضا ، زمان و معماری
از زیگفرید کیدیئن
ترجمهٔ دکتر مهندس منوچهر مزینی
از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب

سیمای شهر
از کوین لینچ
ترجمهٔ دکتر مهندس منوچهر مزینی
از انتشارات دانشگـاه ملی ایران

مقالاتی در باب شهر و شهرسازی
از گروهی از برجسته‌ترین معمـاران ، شهرسازان و اندیشمندان مسائل شهر
ترجمهٔ دکتر مهندس منوچهر مزینی
از انتشارات دانشگاه ملی ایران

ساختمانهای بانک رهنی ایران

ساختمانهای کوی ۴۰۰ دستگاه

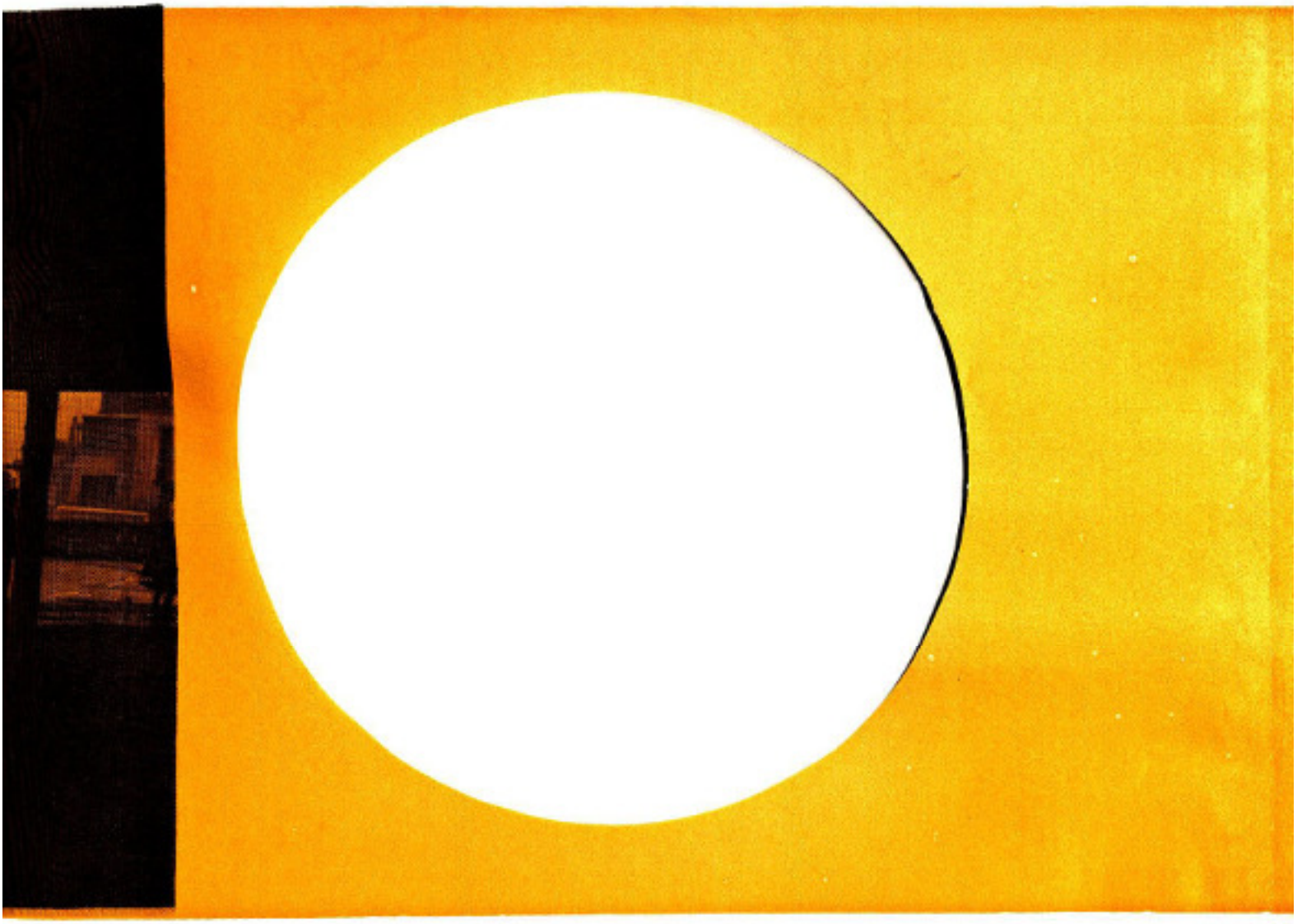

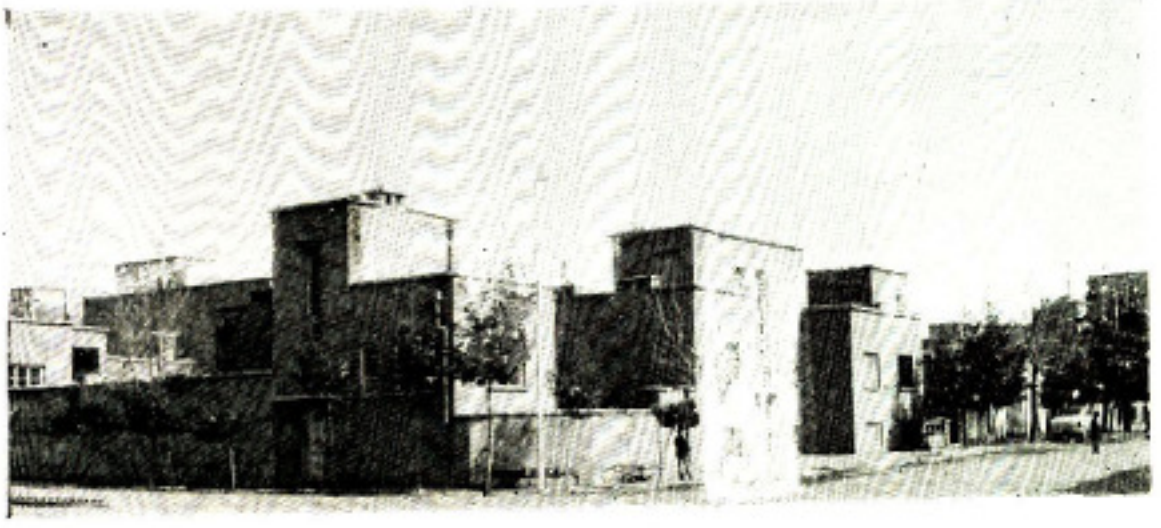

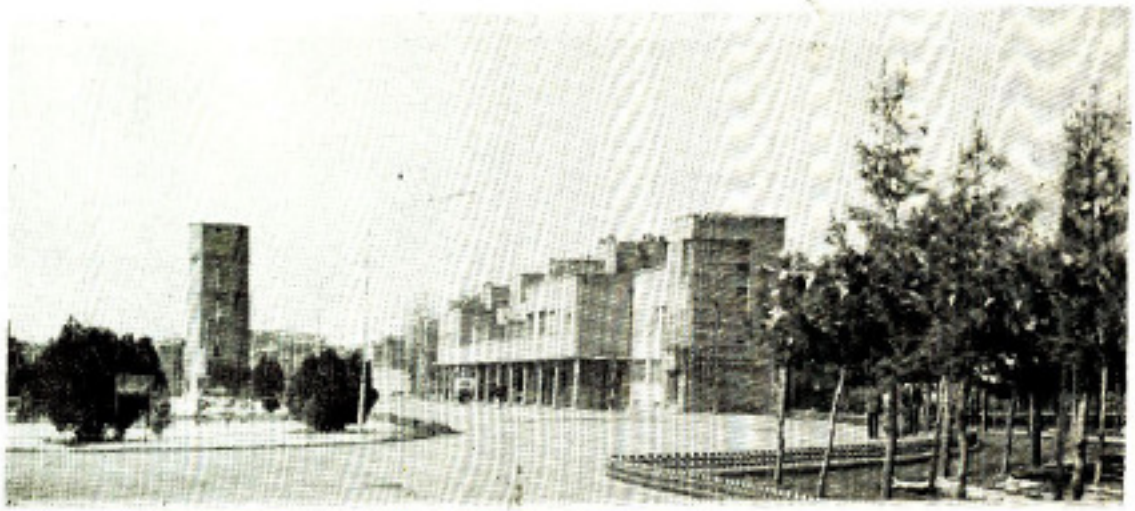

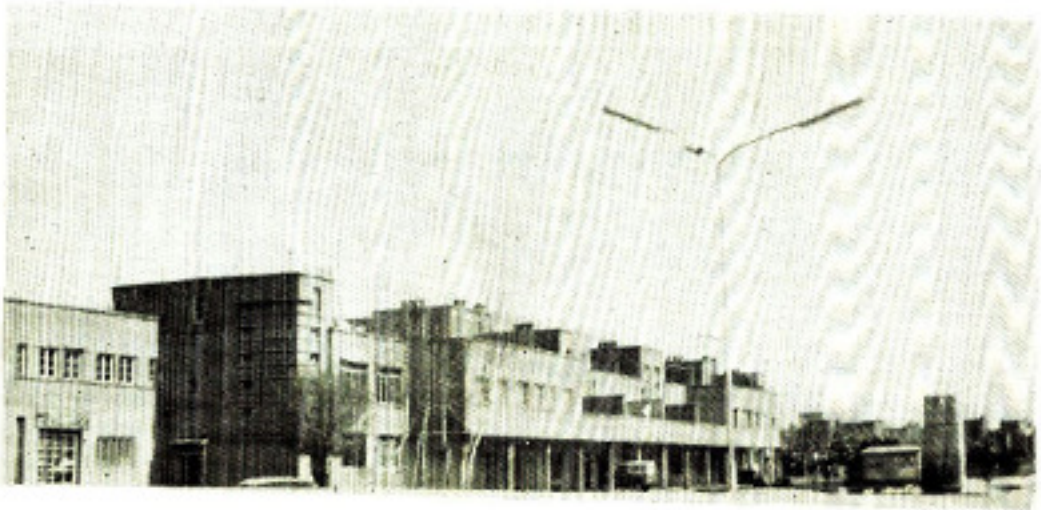

گفتاری درباره احداث شهرکهای
بانک رهنی ایران

مقدمه :

هنگامیکه مسئله مسکن‌در ایران بخصوص شهر تهران بصورت یکی از مشکلات مطرح بود و در ارکان مختلف‌کشور از جنبه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و همچنین وسعت جغرافیائی‌شهر تهران تحولاتی‌بوجود آمده بود ، لزوم احداث خانه های مسکونی مورد توجه دولت قرار گرفت و با سرمایه‌گزاری وکمك مردم در احداث شهرکهائی در تهران اقدام نمود. خوشبختانه این شهرکها توانست برای رفاه حال کارمندان ، کارگران و طبقات معیل که نمیتوانستند برای خود خانه‌ای‌بسازند مفید واقع گردد .

بانك رهنی ایران از سال ۱۳۲۵ در انجام این برنامه شروع بفعالیت کرد ودر امر احداث ساختمانهای ارزان‌قیمت پیشقدم شد ویکی از علل دیگر شروع این فعالیتها در بانك رهنی ایران وجود تعدادی مهندس معمار، شهرساز و ساختمانی بودکه تحصیلات خود را در آنموقع در ایران و خارج از کشور بپایان رسانده بودند و در تهیه طرحها و اجرای برنامه‌های عمرانی بانك همکاری و همگامی نمودند .

کسانی که در ابتدای این فعالیت ها نسبت به طرح و اجرای ساختمانهای بانك رهنی ایران نظارت داشته‌اند عبارتند از : آقایان مهندسین : علی صادق ، حسین‌صادق و عباس ازدری و همچنین مرحوم مهندس منوچهر خورسند .

کسانی‌که در احداث کوی های‌دیگر بانك بعدا درسازمان فنی بانك‌رهنی همکاری نموده‌اند عبارتند از آقایان : مهندس عباس ازدری رئیس اداره مهندسی ، مهندس معمارزاده معاون اداره مهندسی ، مهندس کریمیان و سیروس جهانشاهی و همچنین مرحوم مهندس مهدیزاده .

و ضمنا در این سازمان از وجود مهندسین جوان دیگری‌که از دانشگاه تهران، دانشکده‌های : هنرهای زیبا (رشته معماری) ، دانشکده فنی و دانشکده معماری دانشگاه ملی فارغ‌التحصیل شده بودند نیز استفاده‌گردیده است .

شکی نیست که در اجرای سیاست عمومی دولت و برنامه ریزی که بانك‌رهنی درنازی‌آباد بمرحله اجرا درآورد سرپرستی آقای مهندس ابوالحسن بهنیا رئیس هیات مدیره و مدیر عامل بانك رهنی ایران منشاء اثر بسیار بوده‌است .

مهندس عباس ازدری

مهندس معمارزاده

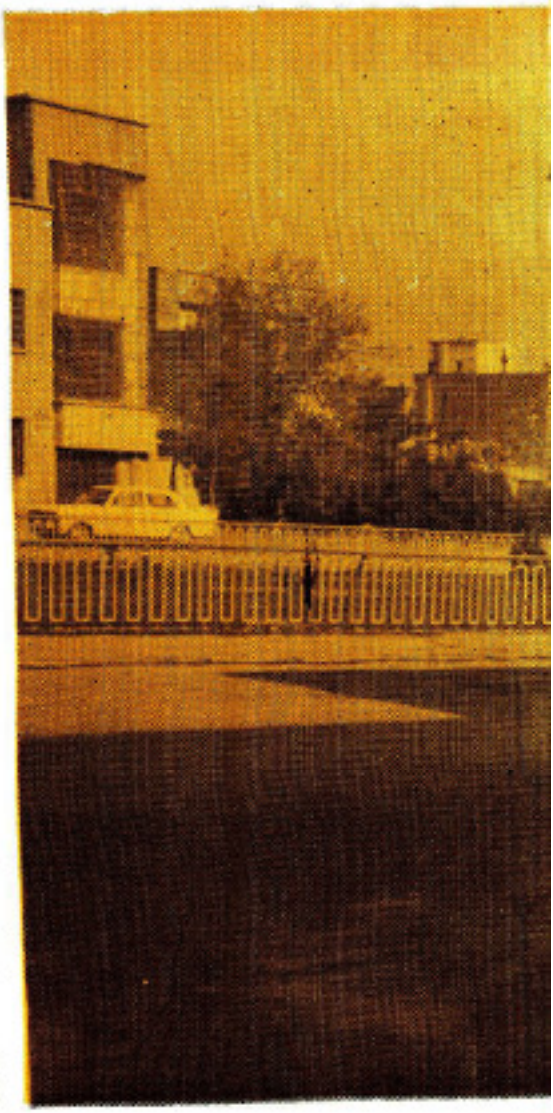

کوی چهار صد دستگاه

اولین کوئی که در تهران‌نو بنیاد گردید ، در سال ۱۳۲۵ بوسیله بانك رهنی ایران در قطعه زمینی بمساحت ۱۲۲،۰۰۰ متر مربع می‌باشد . این محل درقسمت‌جنوبی جاده دوشان‌تپه بفاصله تقریبی سه‌کیلومتر از میدان ژاله در اراضی اکبرآباد دولاب واقع گردیده و بنام کوی چهارصددستگاه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. تعداد خانه‌های این نوبنیاد جمعا ۳۷٤باب وتعدادی هم مغازه وصل بخانه‌ها ساخته شده است .

این محل دارای مرکزی است که در اطراف میدان آن مغازه‌هائی پیش‌بینی شده و در قسمت منتهاالیه غربی میدان مرکز شهرداری و در غرب‌آن تاسیسات آب مشتمل بر یك چاه عمیق و مخازن زیرزمینی و یك برج آب بارتفاع ۲۵متر با تلمبه‌های‌آبرسانی از چاه به مخازن زیرزمینی و از مخازن مذکور به برج آب پیش‌بینی شده است و در منتهی‌الیه شرقی میدان باغچه‌ای به منظور استفاده ساکنین و کودکان محل در نظر گرفته شده و یك قطعه زمین واقع در قسمت جنوب شرقی این محل نیز برای احداث مدرسه و مراکز بهداشتی منظورشده بودکه‌بعدا دبیرستانی درآنجا احداث‌گردیده و در قسمتی ازاین زمین سازمان پیش‌آهنگی ایران تاسیساتی ایجاد نموده است و قطعه زمینی هم در قسمت شرق این کوی برای

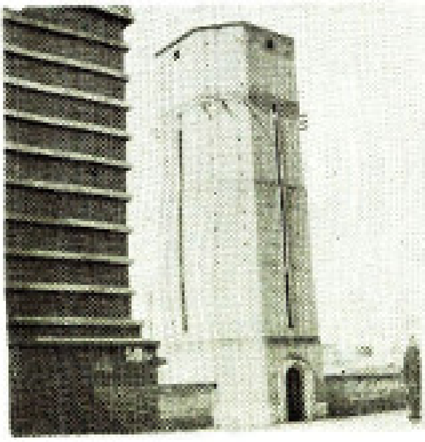

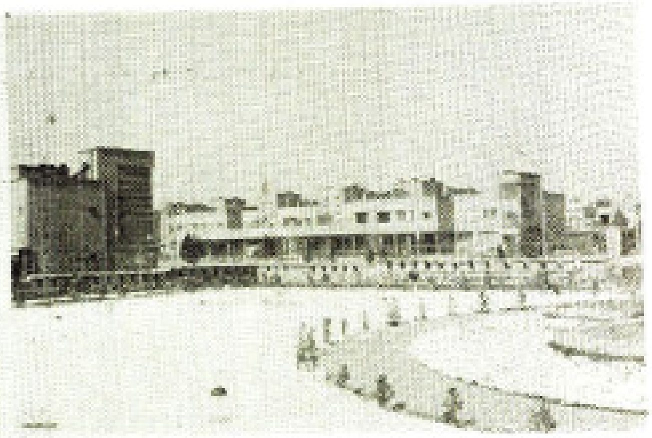

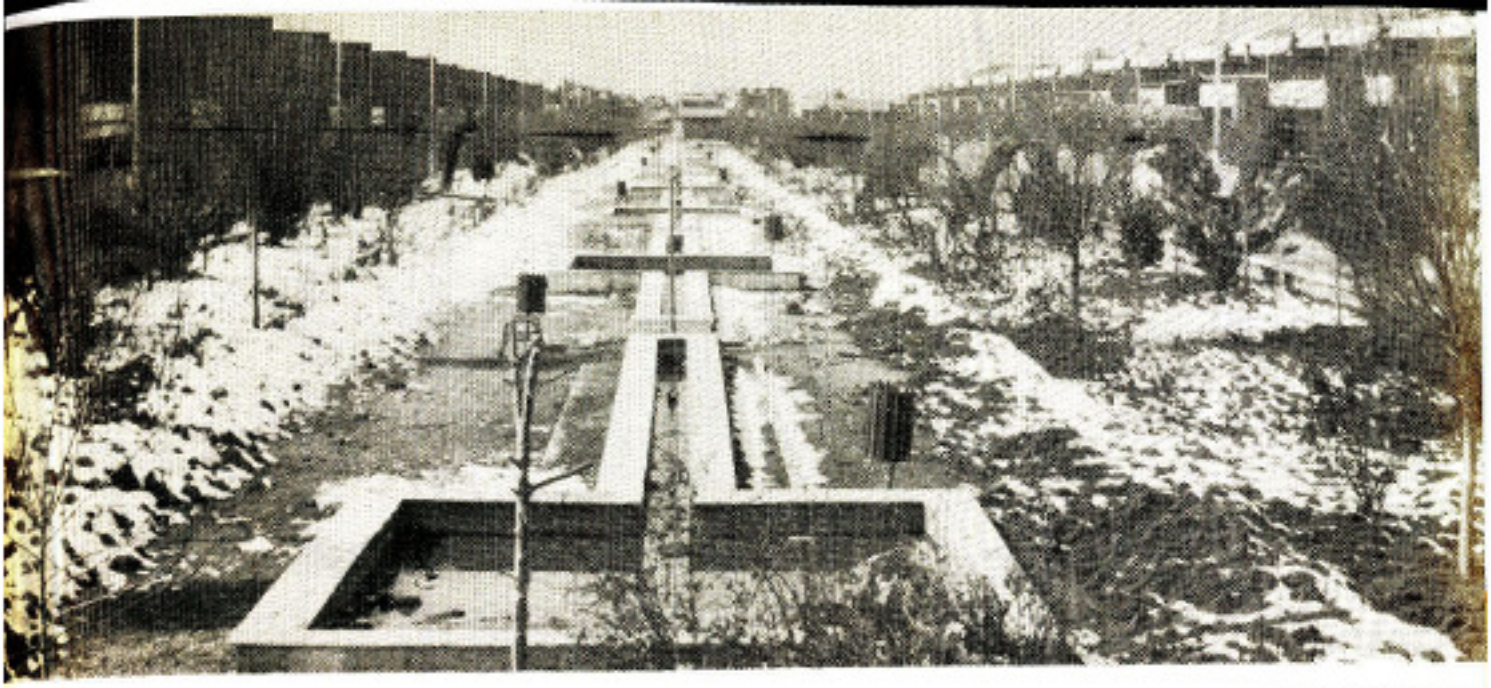

بلوار کوی فرح

وی
۴۰
ستگاه

مسجد درنظر گرفته شده که ازطرف ساکنین بنای آن احداث و مورد استفاده اهالی‌محل قرار گرفته است .

برای سایر موسسات دولتی و ملی نیز محل‌هائی در نظر گرفته شده بودکه از آنها استفاده گردیده‌است. بطور کلی‌ساختمانهای‌این کوی تك‌خانه‌هائی بودندکه‌دارای‌ساختمانهای یك ویا دو طبقه و قسمتهائی هم بازیرزمین نقشه‌ها طوری طراحی شده بودند که حتی‌ـ الامکان محلهای مسکونی بطرف‌جنوب توجیه شوند و از نور آفتاب بوجه احسن استفاده کنند .

عرض کوچه‌ها کلا طوری پیش‌بینی‌شده بودکه وسائل‌نقلیه ساکنین‌محل بتوانندداخل آنها شودو یك خیابان۲۰ متری شمال‌جنوبی از وسط این‌کوی عبور داده شده‌که خیابان دوشان‌تپه را بخیابانهای جنوبی مجاورمتصل ساخته است .

بطوریکه ملاحظه میشود در طراحی این کوی تا آنجاکه میسر بوده است نکات و اصول شهر سازی رعایت گردیده وبهمین علت در فاصله ۲۵ سالی‌که از تاریخ‌احداث آن میگذرد کوچکترین تغییری در اساس آن داده نشده است وفقط بعضی از مغازه‌ها بعلت عدم توانائی‌مالی ساکنین تبدیل به‌اطاق خانه‌ها شده‌است .

این خانه‌ها بدون دریافت هیچگونـه پیش قسطی بکارمندان بی‌خانه دولت ویـا شرائط سهلی واگذار گردیدند و بعلت عـدم دریافت شش قسط وصول اقساط برای بانك رهنی ایران ایجاد مشکل کرده است .

نمائی از ساختمانهای کوی‌فرح

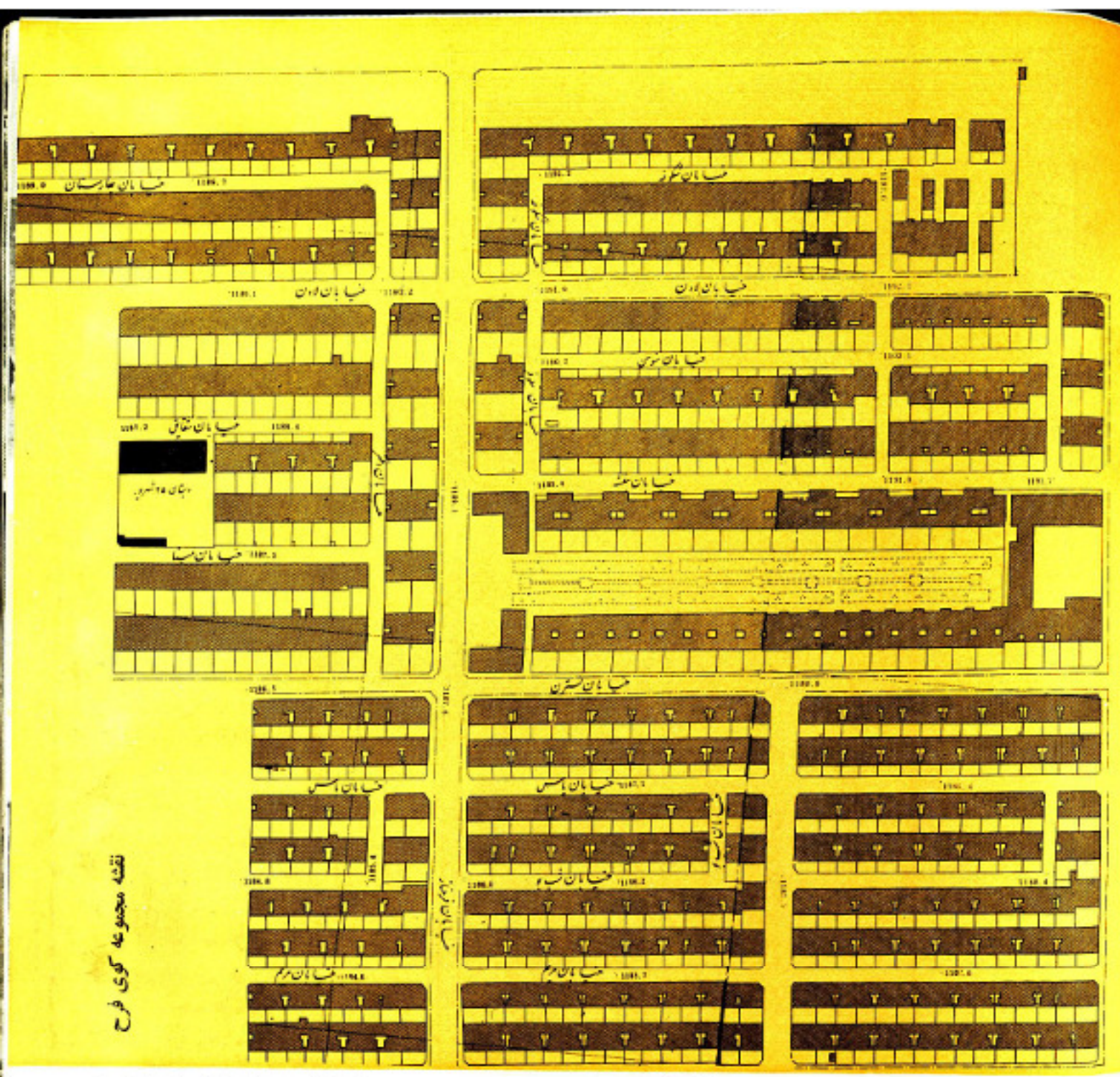

نقشه مجموعه کوی فرح

کوی فرح

کوی فرح

دومین کوی جدیدی که بوسیله بانك رهنی برای ایجاد گردیده است کوی فرح است که در سال ۱۳۴۲ شروع و در اواسط سال ۱۳۴۵ خاتمه یافت . این محله جدیدنیز در نقشه ، زمینی است به مساحت ۲۲۰٫۰۰۰ متر مربع بفاصله سه کیلومتر از کوی چهارصد دستگاه قبلی، بطرف شرق در اراضی سلیمانیه احداث گردیده است .

این کوی جدید نیز از طرف مهندسین معمار و شهرساز و ساختمانی بانك رهنی ایران طرح‌ریزی شده و بطریق امانی بوسیله مامورین فنی مذکور انجام یافته است.

بطوریکه در طرح کلی این کوی ملاحظه میشود یك محوطه در نظر گرفته‌شده که مشتمل بر میدانی است که اطراف آن مرکز تجارتی و دارای مغازه هائی میباشد و یك بلوار بشکل گردشگاه عمومی نیز از شرق بغرب ممتد است و طرفین آن خانه‌های مسکونی‌منظور شده‌اند واین‌خانه‌ها که از لحاظ وسعت زمین و مساحت ساختمان خانه‌های درجه یك این محله میباشند در عین‌حالی که باین بلوار مشرف هستند از راههای‌شمالی‌وجنوبی‌دیگری نیز برخوردارند که وسائط نقلیه آنها از این دو خیابان رفت‌و آمد می‌نماید و در گردشگاه هیچگونه

وسیله‌ای نقلیه‌ای رفت و آمد ندارد .

در دو قسمت شرقی و غربی این کوی محل هائی برای احداث مدرسه در نظر گرفته شده واراضی‌مناسبی دراختیاروزارت آموزش و پرورش گذارده شده است که هم‌اکنون دایر میباشند .

در جمع کل مساحت تعداد ۶۳۲باب خانه علاوه بر مغازه‌های احداثی و زمینهای مدارس و چند قطعه باقیمانده در جبهه دوشان‌تپه احداث گردیده که ازانواع‌مختلف. یك‌طبقه ودوطبقه‌است وازجهت‌مساحت‌زمین‌و مساحت زیربنا و بهای خانه‌ها ، باهم متفاوت می‌باشند واز لحاظ شهرسازی این ساختمانها طوری درنظر گرفته شده‌اندکه هیچ‌خانه‌ای برای خانه‌های‌مجاور مزاحمت‌فراهم ننماید ومانع تابش نور آفتاب به مجاورین نگردد.

گذرهای احداثی در این کوی نیز به ترتیبی پیش بینی شده‌که در عین حال که وسائط نقلیه ساکنین می‌تواند داخل آنها شود از لحاظ ترافیك عمومی‌مزاحمتی برای ساکنین مذکور فراهم ننماید فقط یك خیابان شمالی وجنوبی نسبتا عریض خیابان فرح‌آباد را به قسمتهای جنوبی این کوی مربوط می‌سازد .

این خانه‌ها از لحاظ مصرف مصالح که درعین‌حال از انواع نسبتا مرغوب‌درنظر گرفته شده جنبه لوکسی نداشته و جنبه های استحکام بنا و رفاه ساکنین و ارزانی قیمت منظور نظر بوده است .

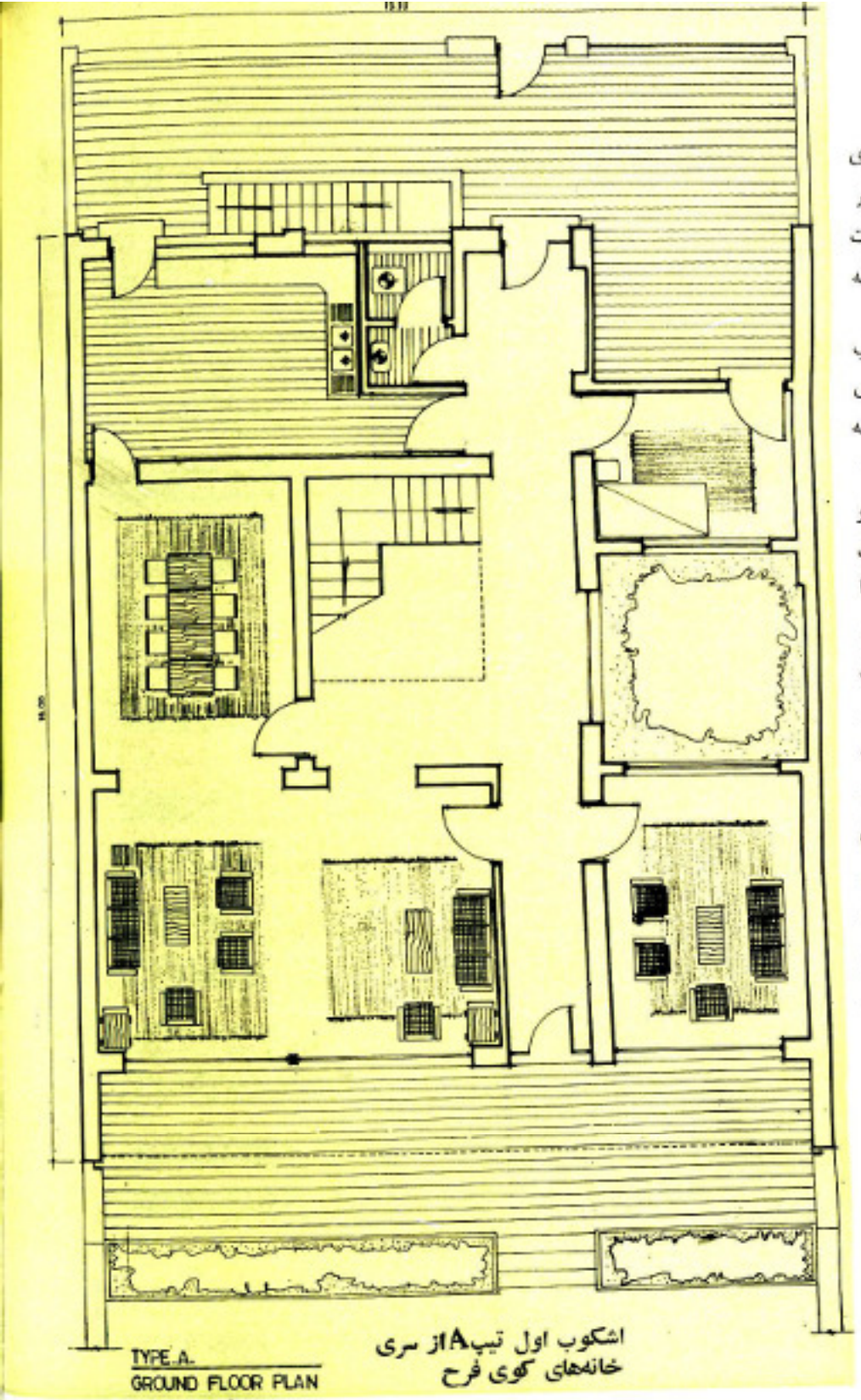

اشکوب اول تیپ A از سری خانه‌های کوی فرح

عکسهائی از ساختمانهای کوی فرح

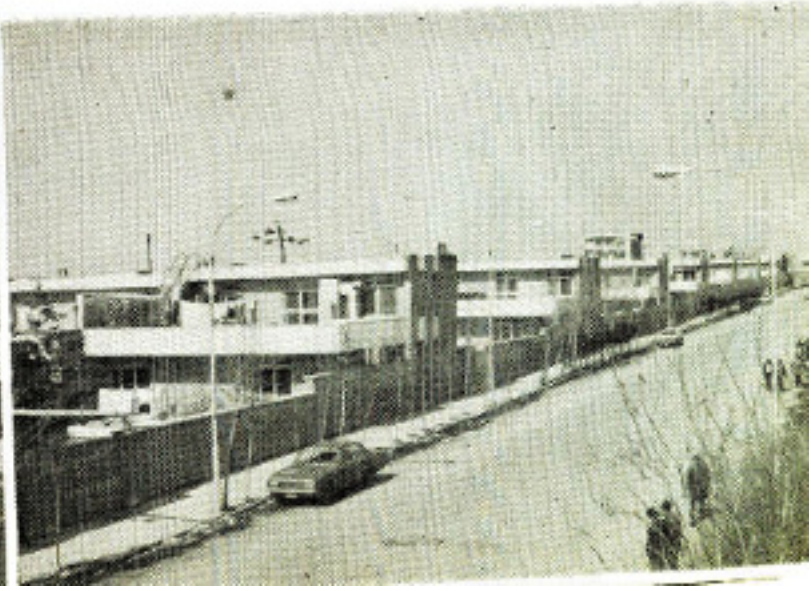

نمائی از ساختمانهای کوی فرح

نمائی از ساختمانهای کوی فرح

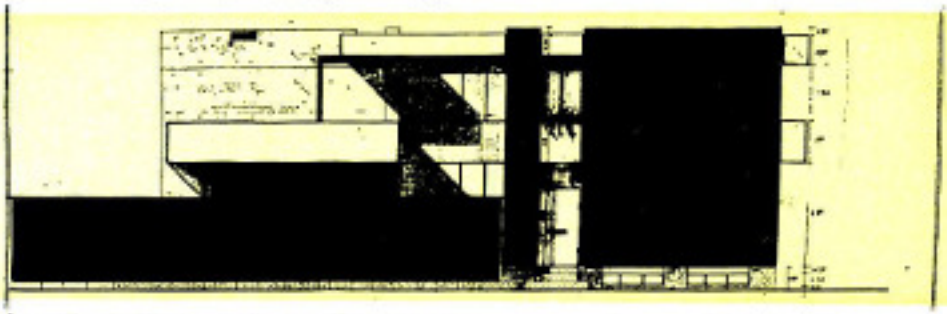

اشکوب دوم تیپ ۸ از سری خانه‌های کوی فرح

قیمت خانه‌ها حداقل ۳۶۵٫۰۰۰ ریال و حداکثر از ۱٫۲۴۰٫۰۰۰ ریال تجاوز ننمود (مساحت خانه‌های به قیمت حداقل ۲۰۰ متر مربع ومساحت خانه‌ها به قیمت حد اکثر ۴۰۰ متر مربع بوده‌است) .

این خانه‌ها نیز توسط مهندسین بانك رهنی ایران طراحی و بطور امانی اجرا شده‌اند .

نحوه فروش این خانه‌ها باین طریق بوده است که خریداران حداقل می‌بایستی یك ثلث قیمت خانه‌ها را به‌بانك رهنی بپردازند و بقیه را هم باقساط ماهانه درمدت ۱۵ سال واریز نمایند .

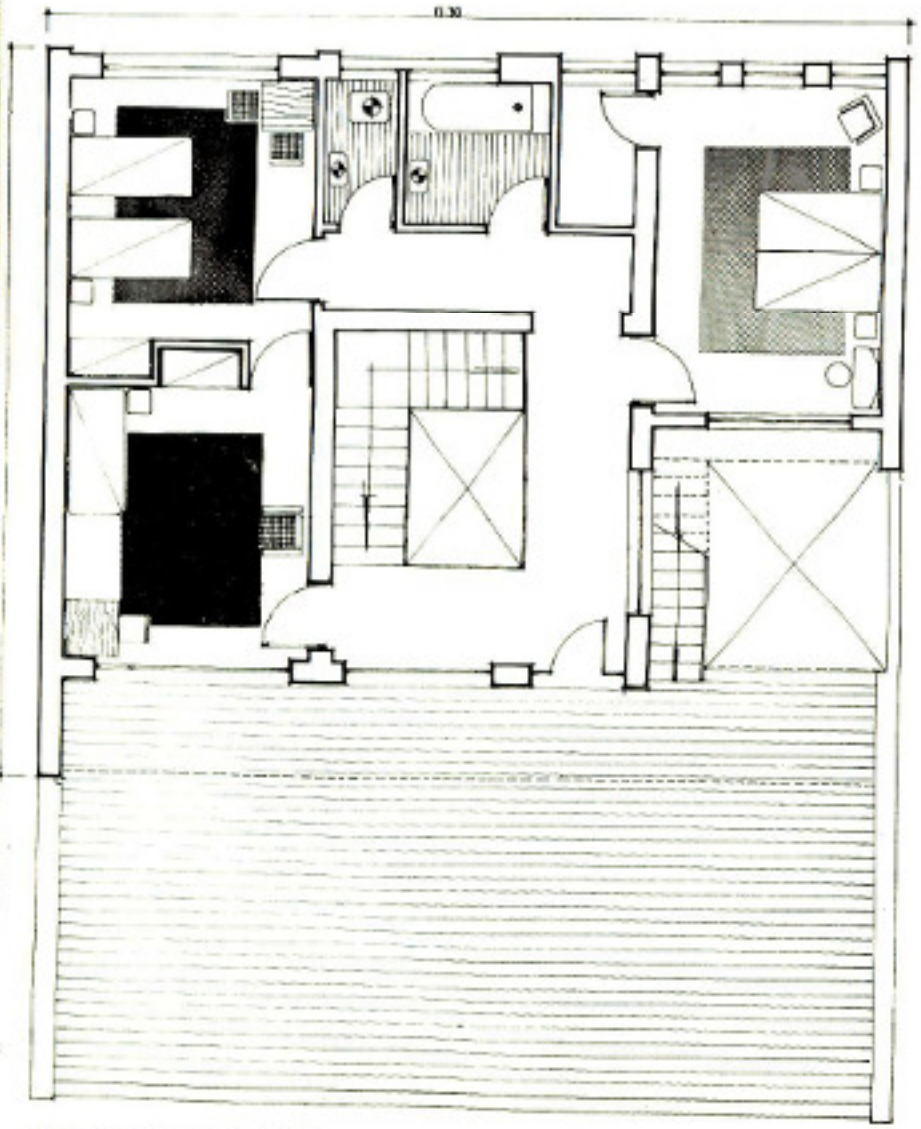

TYPE A FIRST FLOOR PLAN

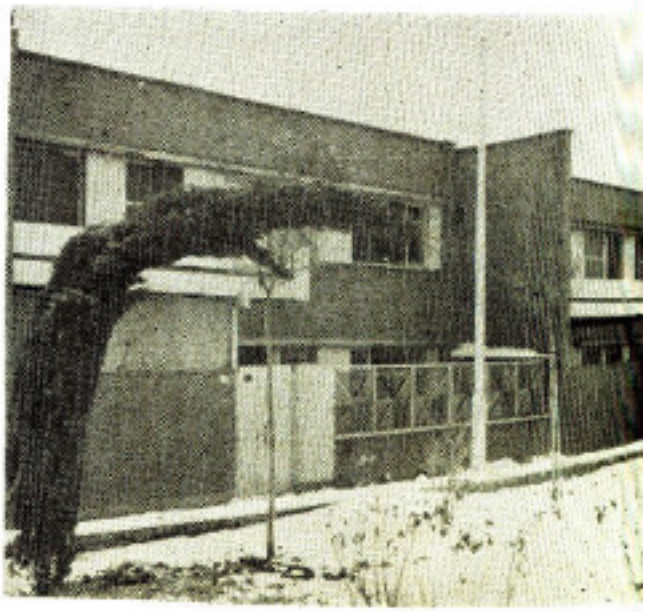

کوی
چهارم آبان

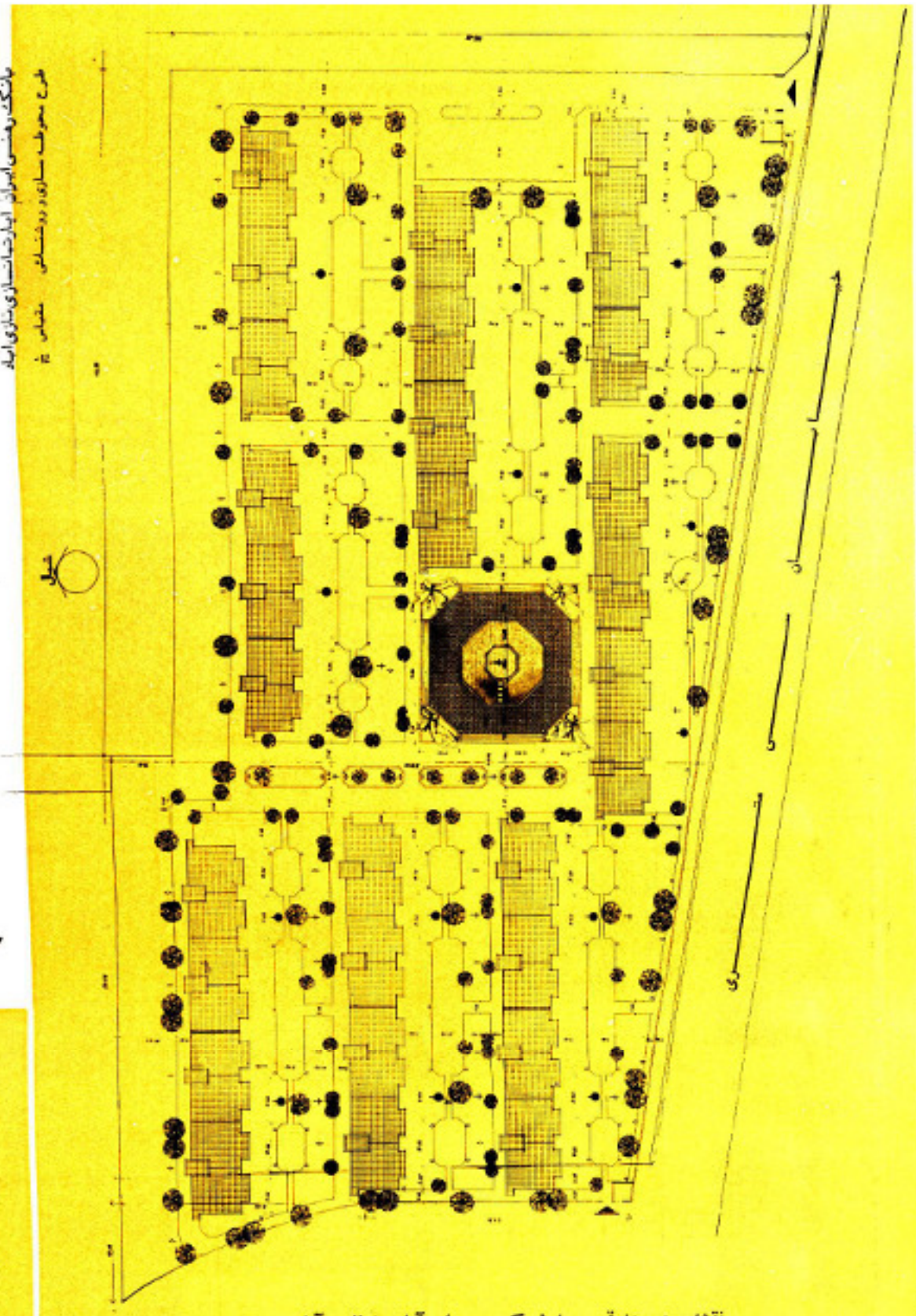

نقشه مجموعه قسمت اول کوی چهارم‌آبان (نازی‌آباد)

سری اول تیپ B سه اطاقه چهار طبقه

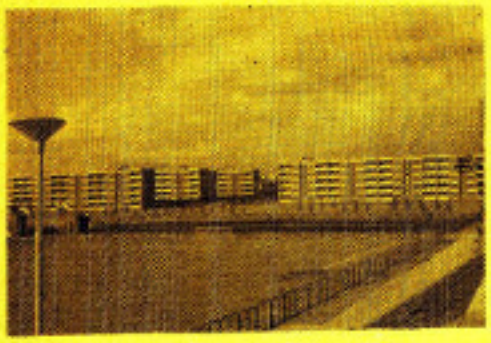

سری آپارتمانهای تیپ A سه اطاقه ۵ طبقه

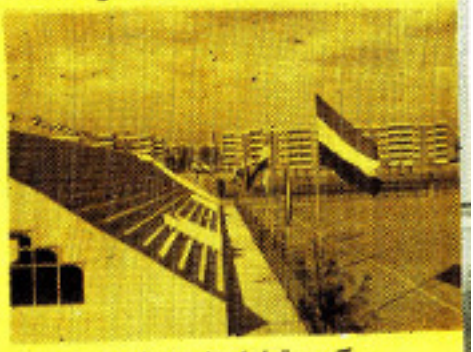

سکوی تماشاچیان استادیوم ورزشی

کوی چهارم آبان

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، ازطرف وزارت دارائی (مرحوم داور) شرکتی بنام شرکت لوازم ساختمانی تاسیس گردید وقراربودکلیه امورساختمانی کشوراز لحاظ تعیین طرح‌ها وانجام ساختمانها وتهیه مصالح ساختمانی وسیله این شرکت انجام پذیرد . برای مصالح ساختمانی قطعه زمینی به مساحت ۳۰۰ هزار متر مربع از زمینهای نازی‌آباد واقع‌درجنوب‌غرب تهران‌اختصاص داده شد و در آنجا چند کوره آجرپزی از نوع هوفمن و یك کارخانه سنگبری ایجاد شده بود که در نظر بوده است سایر مصالح از قبیل کاشی ــ آجر نسوز و غیره نیز در این محل تهیه گردد .

در سال ۱۳۲۵ که قراربود بانك‌رهنی ایران‌کوی چهارصد دستگاه راایجادنمایداز لحاظ‌تهیه‌آجردرنظر گرفته شدکه‌ازکوره‌های نازی‌آبادکه درآنموقع درحال تعطیل بودند استفاده شود و بدین منظور بامذاکره باهیات تصفیه وزارت دارائی این کوره‌ها از طرف بانك اجاره شد وآجرهای مورد نیاز تهیه گردید . بعدا بانك رهنی ایران از لحاظ تهیه مصالح ساختمانی جهت طرحهای‌آتی خانه سازی تصمیم براین‌گرفت که این‌محل را از هیات تصفیه مذکور خریداری کند و بهمین طریق نیز اقدام شد و سالها بانك رهنی در این‌محل آجر فشاری تهیه نمود و بعدا با ایجاد یك کارخانه آجر ماشینی و انواع سنگ‌آنها را بمعرض فروش میگذاشت تا اینکه درسالهای بین ۴۰ تا ۱۳۴۵ بعلت وقوع این محل در وسط خانه‌های مسکونی نازی‌آباد و مزاحمتی که برای مجاورین فراهم میکرد کوره‌ها تخریب و کارخانه از

نقشه مجموعه قسمت دوم کوی چهارم‌آبان (نازی‌آباد)

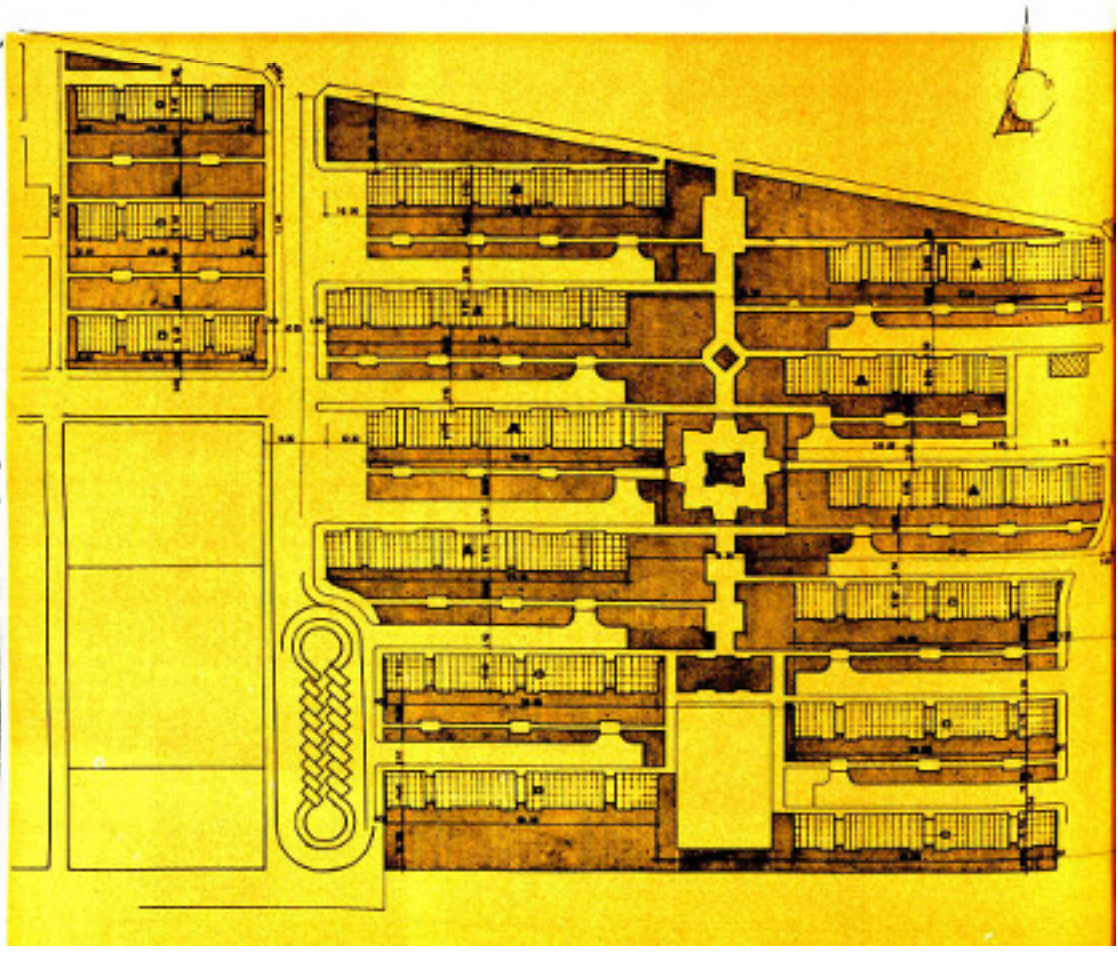

نقشه هم‌کف آپارتمانهای سه‌اطاقه تیپ

سری دوم

آپارتمانهای تیپ B سه اطاقه ۵ طبقه

سری اول‌سه اطاقه ٤ طبقه

مرکز رفاه خانواده در کوی چهارم‌آبان

آپارتمانهای تیپ ۸ سه اطاقه ۵ طبقه

سری اول سه اطاقه چهار طبقه

سری دوم تیپ A سه اطاقه ۵ طبقه

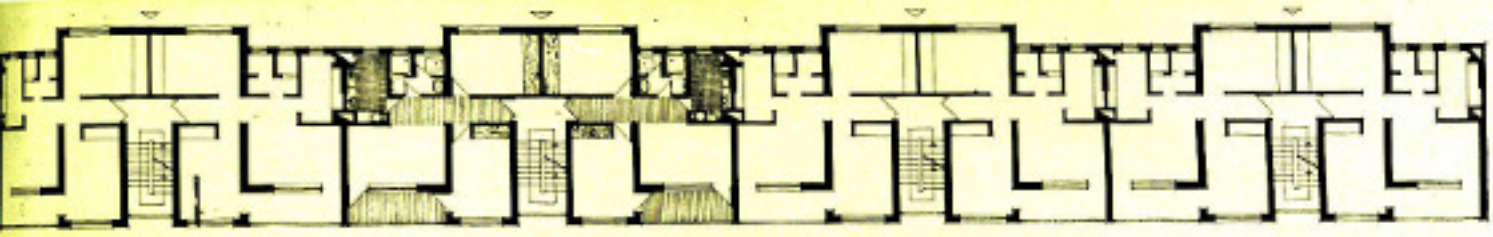

نقشه طبقات آپارتمانهای سه اطاقه تیپ B ۵ طبقه

تیپ B سه اطاقه

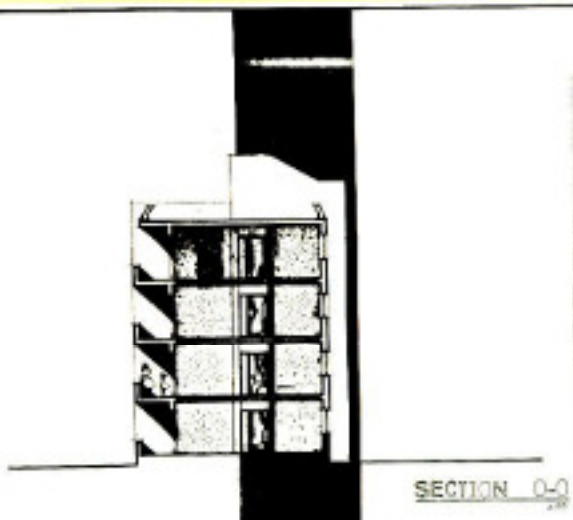

SECTION O-O

تیپ B سه اطاقه

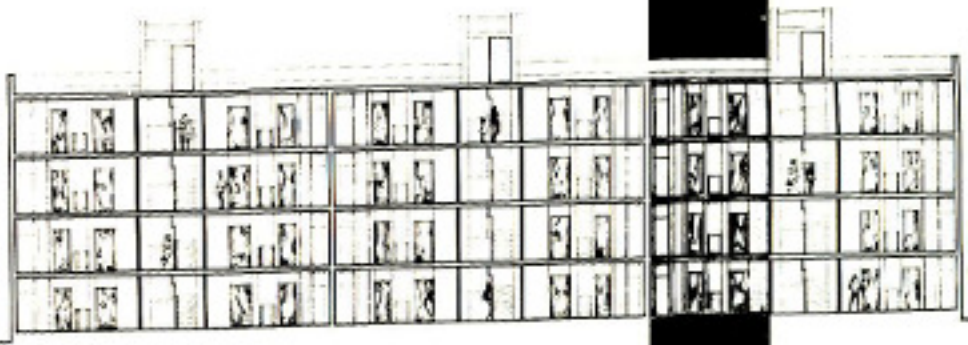

SECTION A-A

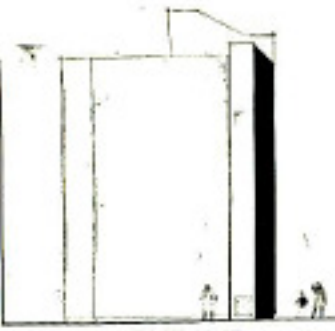

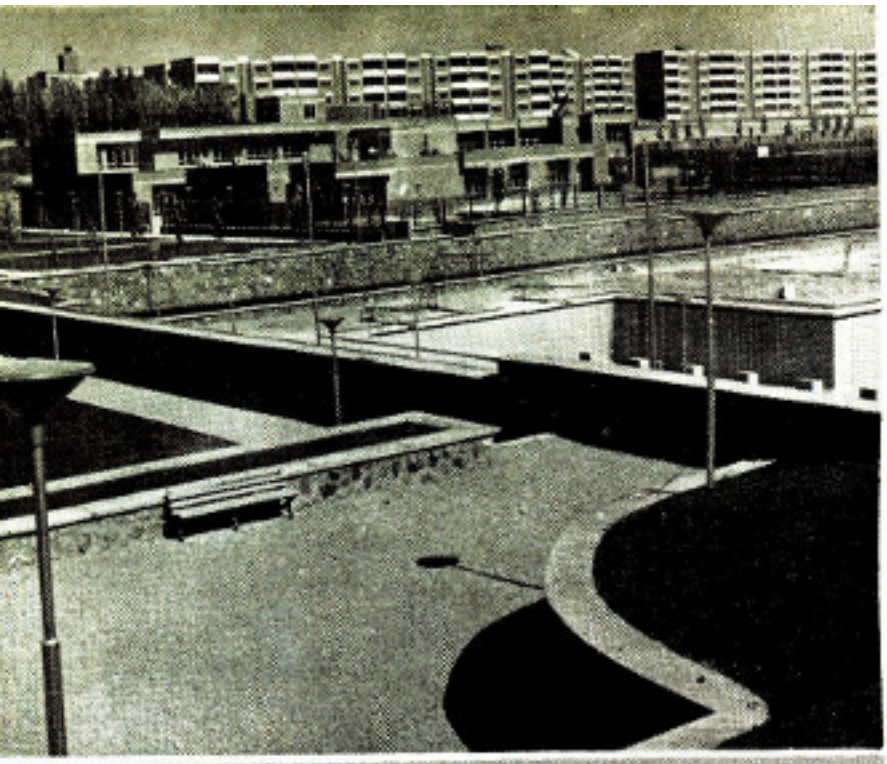

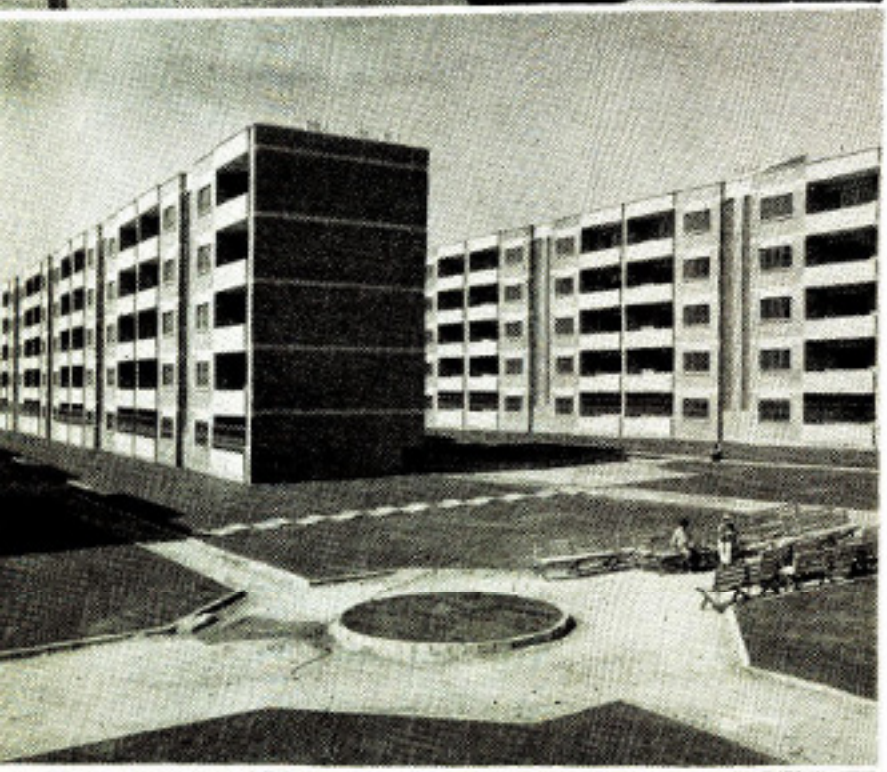

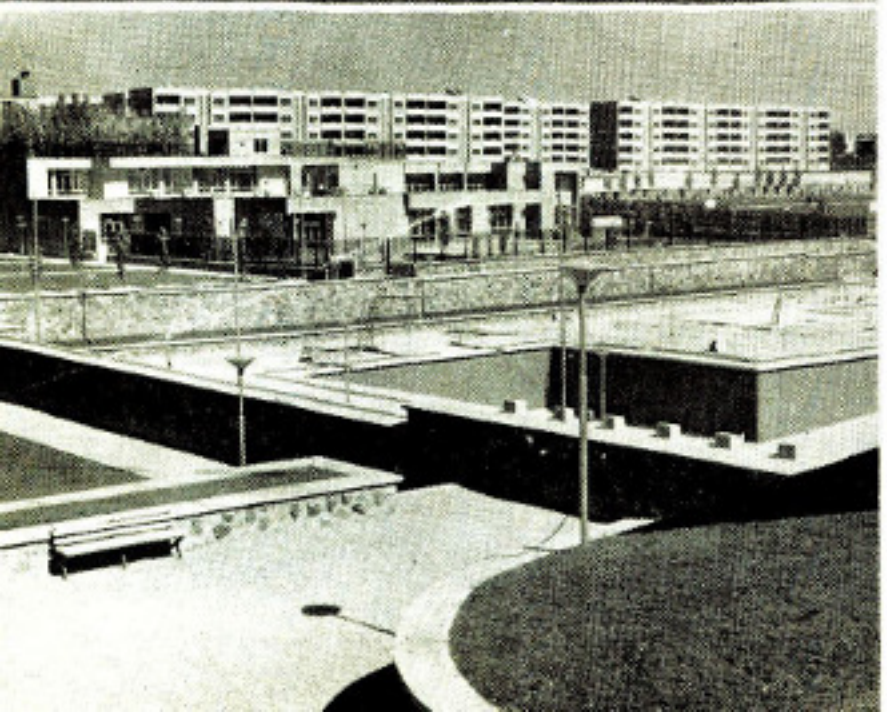

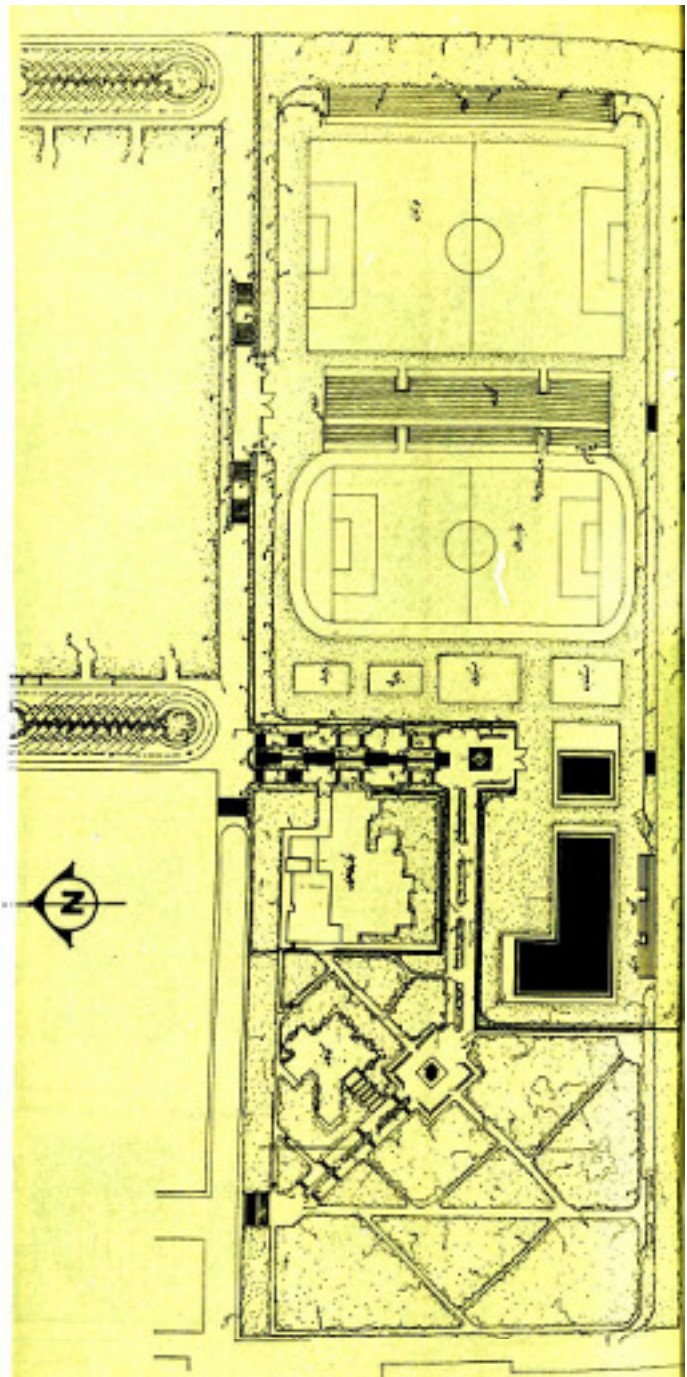

نقشه مجموعه قسمت سوم کوی چهارم‌آبان (نازی‌آباد)

عکسهائی از آپارتمانهای کوی فرح ←

پارک کوی چهارم آبان و منظره عمومی آپارتمانها

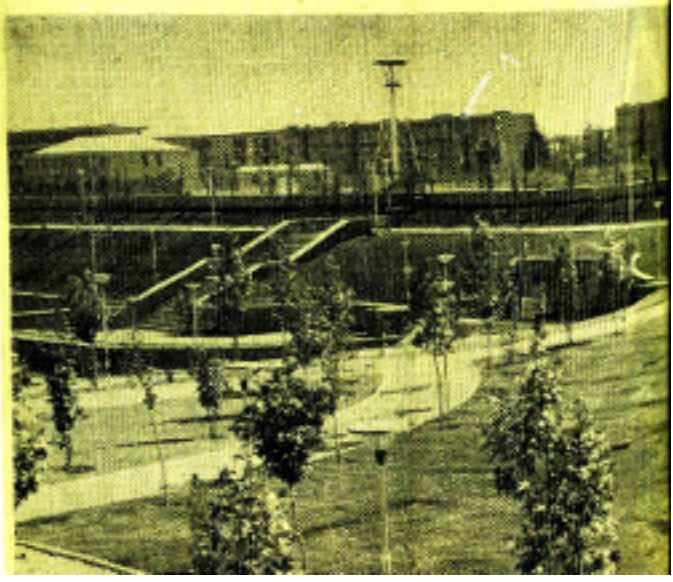

بین برده شد و ماشین‌آلات آن نیز بفروش رسید .

و چون درسال ۱۳۳۷ مقدار ۸۰ هزار متر مربع از قسمت جنوب این‌اراضی منتزع ودرآن ازطرف‌بانك رهنی ایران با سرمایه سازمان‌برنامه چهاربلوك‌ساختمان‌بنا گردیدودر اختیار شهربانی کل کشور قرار داده شد . و بعدا هم قرار شدکه ۸۰ هزار متر مربع دیگر از قسمت غرب‌آن منتزع و بانضمام مقداری از اراضی شرکت بیمه برای سیل‌زدگان خانه‌هائی درآنجا ساخته شود و این خانه‌ها نیز با اعتبار سازمان برنامه و اعانات دریافتی از طریق شیروخورشید سرخ ایران تحت‌نظر کمیسیونی انجام پذیرفت . باین ترتیب از ۳۰۰ هزارمترمربع زمین‌درحدود ۱۴۰٫۰۰۰ متر مربع باقی ماند .

در این موقع بانك رهنی ایران به پیروی از منویات شاهنشاه آریامهر وسیاست کلی دولت در امور مسکن تصمیم‌گرفت در یك قسمت‌از باقیماندهاراضی آپارتمان هائی برای طبقه کم‌درآمد بنا نماید . بدین منظور طرح های لازم در اداره مهندسی بانك‌رهنی تهیه واولین کلنگ شروع ساختمان سری اول آپارتمان ها در آبان ۱۳۴۸ توسط جناب آقای نخست وزیر بزمین زده شد و ساختمانها شروع گردید . و این سری از آپارتمان ها در ۸ بلوك و هر تعداد ۲۳۲ واحد مسکونی، درآبان ۱۳۴۹ باتمام‌رسیدند و طی تشریفاتی در اختیار معلمان وزارت آموزش وپرورش قرار داده شدند (۷بلوك به معلمان وبك بلوك به کارگران راه‌آهن).

سری دوم این آپارتمان ها در همان

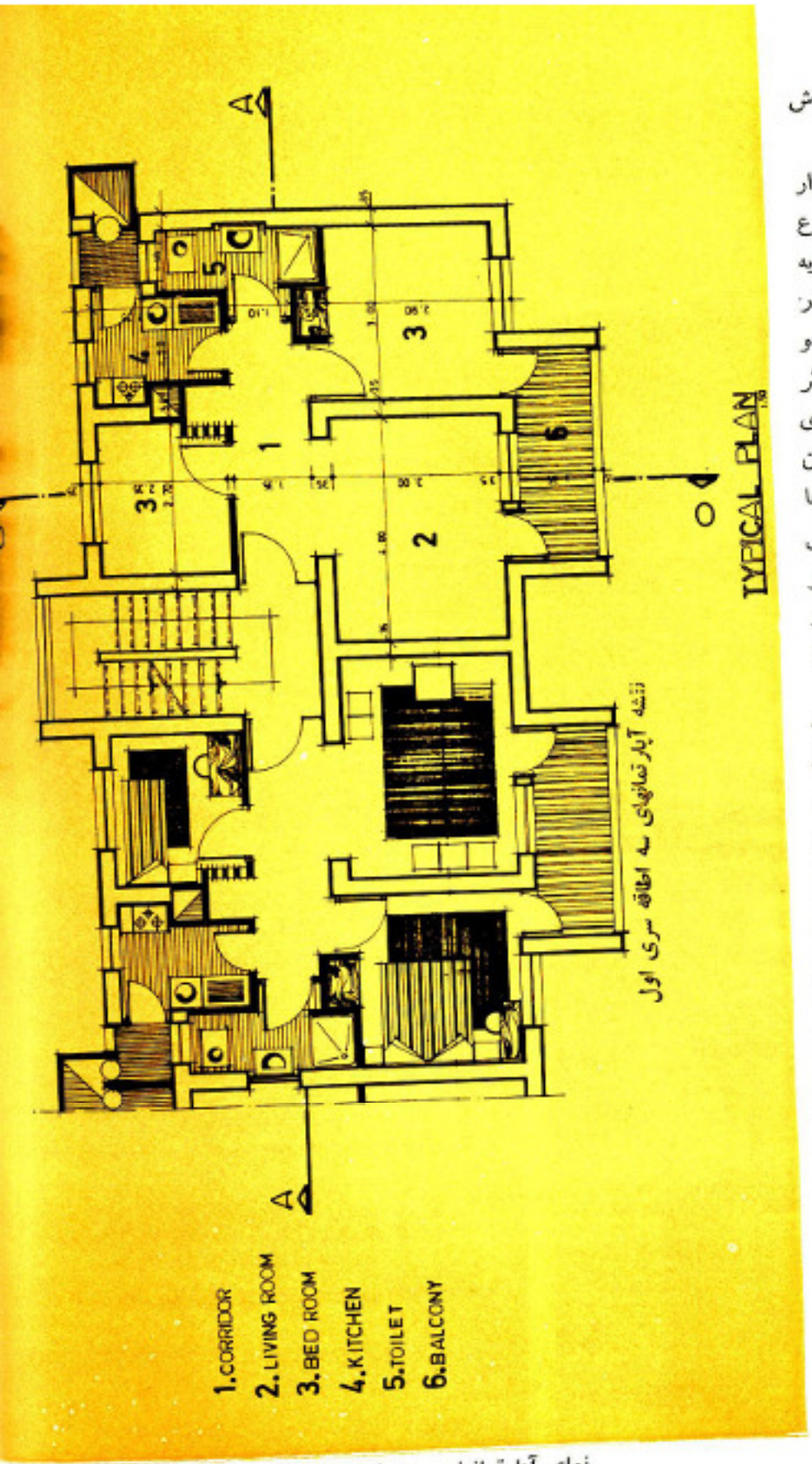

نقشه آپارتمانهای سه اطاقه سری اول

نمای آپارتمانهای سری اول سه اطاقه چهارطبقه

NORTH ELEVATION

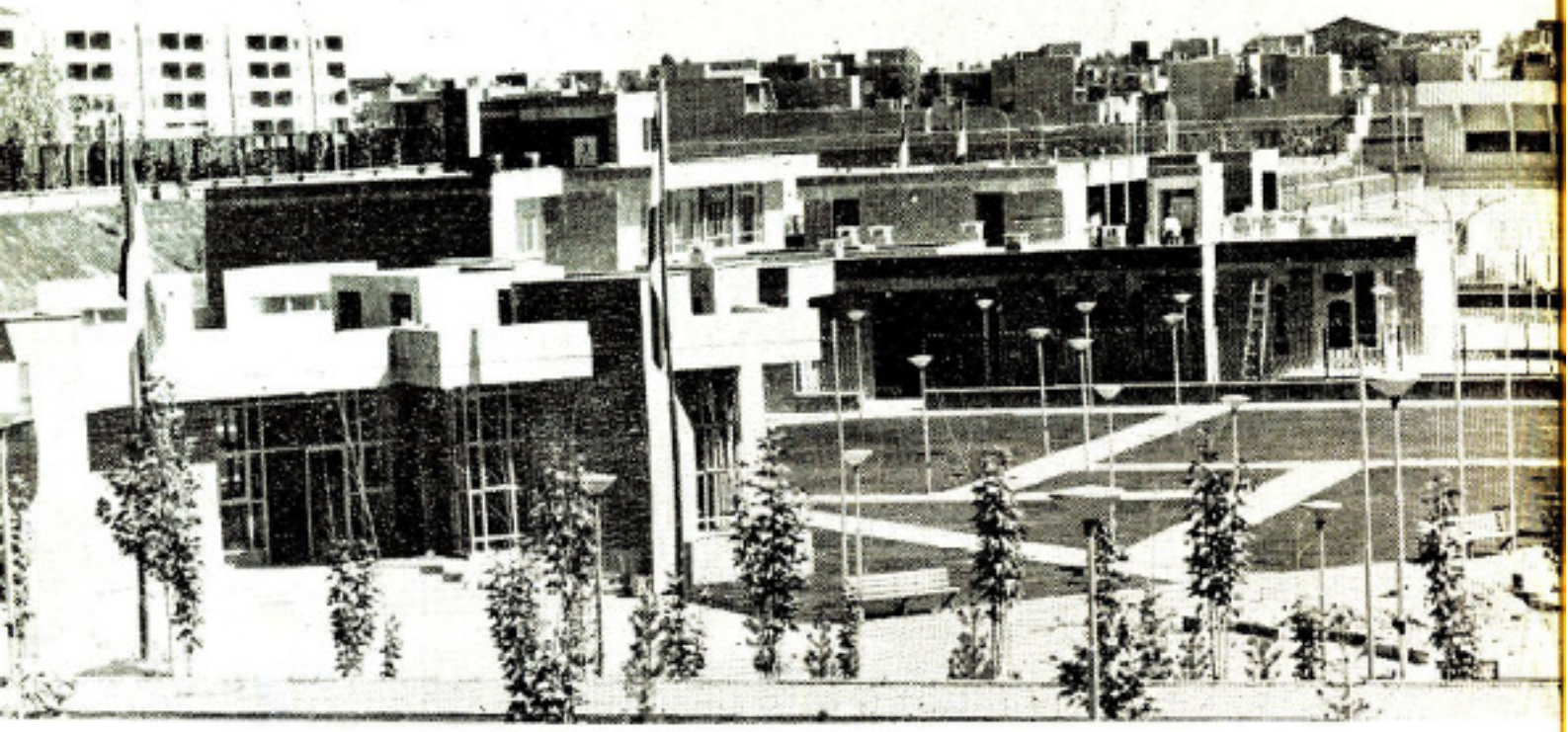

کتابخانه مرکزی رفاه خانواده ، کوی چهارم آبان نازی‌آباد

تاریخ مجددا از طرف بانك رهنی ایـران شروع ودر ۷ بلوك هرکدام در ۵ طبقه بـه تعداد۲۷۰ دستگاه دراراضی‌که اکثرا گودال های کوره‌های آجرپزی بودند بناگردید و همزمان با جشنهای فرخنـده ۲۵۰۰ سالـه شاهنشاهی ایران این ساختمان‌ها باتمـام رسید و در تاریخ ۲۳ر۸ر۱۳۵۰ بوسیلـه جناب آقای نخست وزیر افتتاح شدند .

بموازات انجام این ساختمانها ، بانك رهنی ایران در یك قسمت از اراضی گـود کوره‌های واقع در اراضی جنوب نازی‌آباد پارك ورزشی پیش‌بینی نمودکه طبـق طرح **مقدماتی تهیه‌شده ازطرف‌اداره مهندسی‌بانك** که بتصویب ذات مبارك ملوکانه رسید وطبق اجازه‌ای که صادر فرموده بودند احـداث گردید ، پارك مذکور مشتمل است بر دو زمین فوتبال ، دو زمین والیبال و بسکتبال، دو استخر قهرمانی و کودکان و یك مرکز رفاه خانواده : مشتمـل بر مهد کـودك . کلاس‌هـای مبارزه با بیسوادی ــ کارگاه های حرفه‌ای ــ مراکزبهداشتی زنان ــ یك کتابخانه ــ یك پـارك عمومی و تمـام سرویسهای مربوط بهریك از مراکز ورزشی می‌باشد .

کلیه ساختمانهای ۷ بلوك آپارتمانهای **مذکور وپارك** ورزشی در ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۵۰ مورد بازدید شاهنشاه‌آریا مهر وعلیاحضرت شهبانو قرارگرفت و عملیات انجام شده از طرف بانك رهنـی ایران مـورد توجـه اعلیحضرتین قرارگرفت و خدمات بـانك رهنی مورد تفقد واقع شد .

بطوریکه در طرح کلی‌ملاحظه خواهند فرمود بمنظور تکمیل این کوی باید ۵ بلوك آپارتمان دیگر طبق مشخصات قبلی ساخته شود و طبق امریه صادره بانك رهنی ایران هم‌اکنون مشغول انجام ساختمانهای مذکور میباشد .

نقشه آپارتمانهای سه اطاقه سری اول

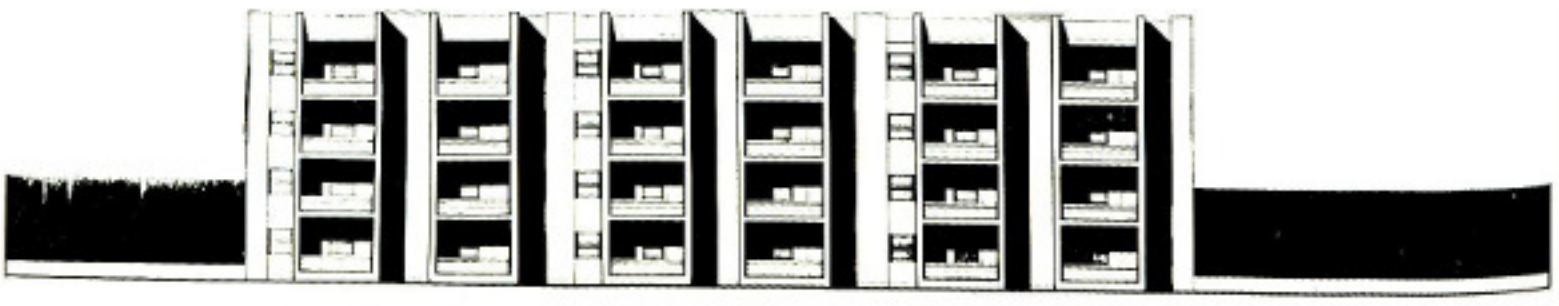

دیروز

اجتماعی از مردم جنوب شهر تهران بر بالای گودال بزرگی از اراضی نازی‌آباد ، شروع عملیات ساختمانی بانک رهنی را در این محل نظاره میکنند .

سری دوم پنج طبقه سه اطاقه .

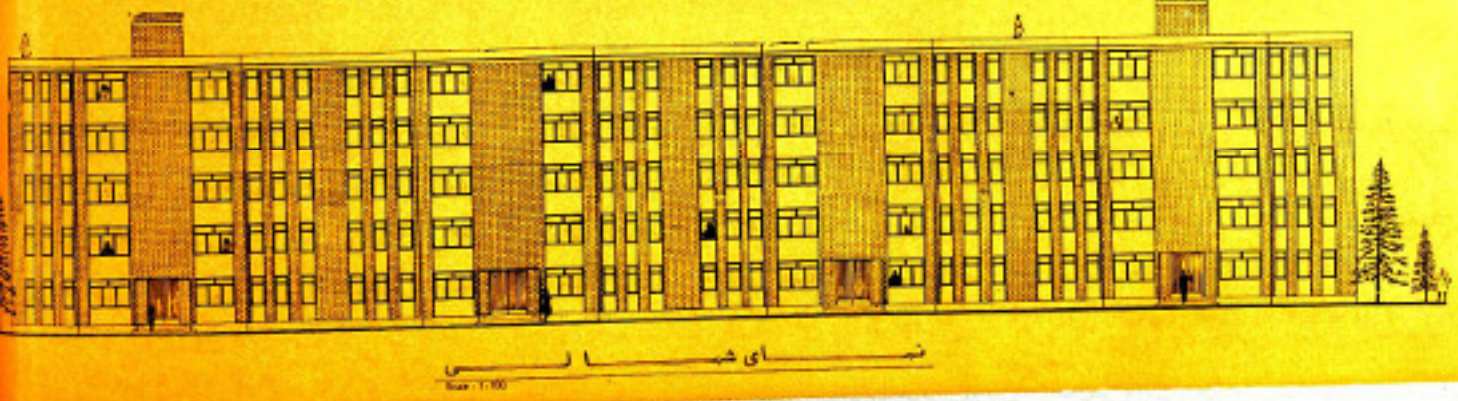

نمای جنوبی

سری دوم پنج طبقه سه اطاقه

امروز

محلی که روزی کوره‌های آجرپزی خاك آنرا آجر نمودند و سطح وسیعی از جنوب شهر را بصورت ناهموار درآورد، ند امروز با تلاش بانك رهنی ایران بصورت آپارتمانهای متعدد، پارك، زمین ورزش و استخر درآمده و عمرانهای مختلفی در آن ایجاد شده است.

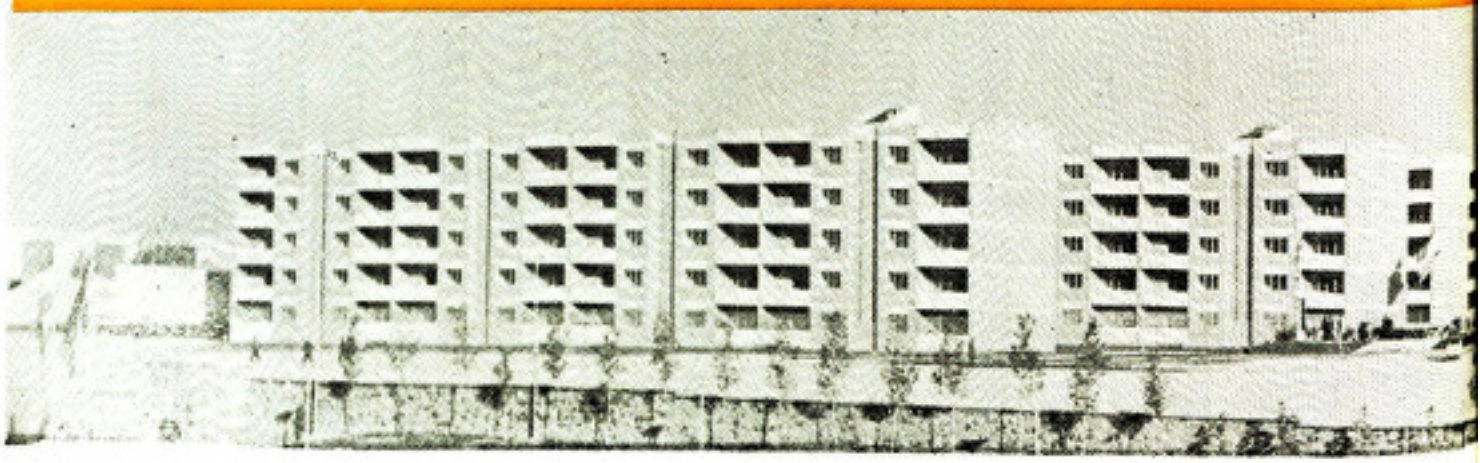

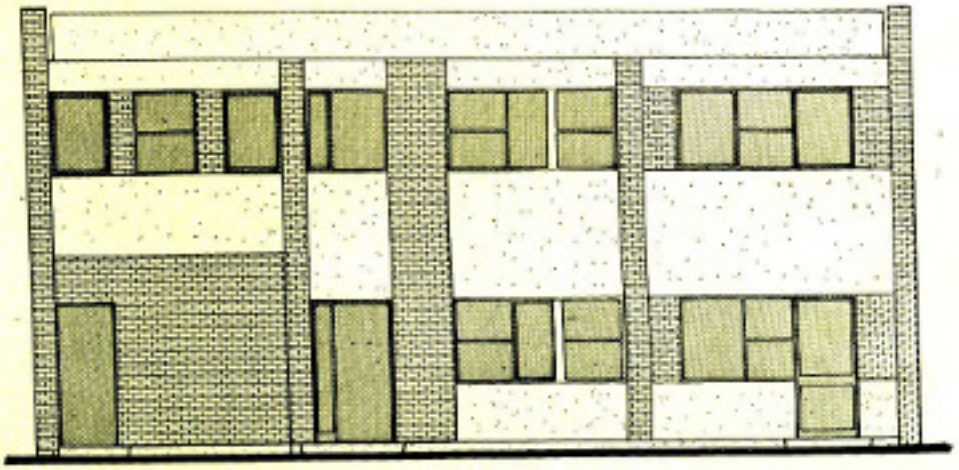

نمای جنوبی تیپ A ساختمانهای کوی فرح

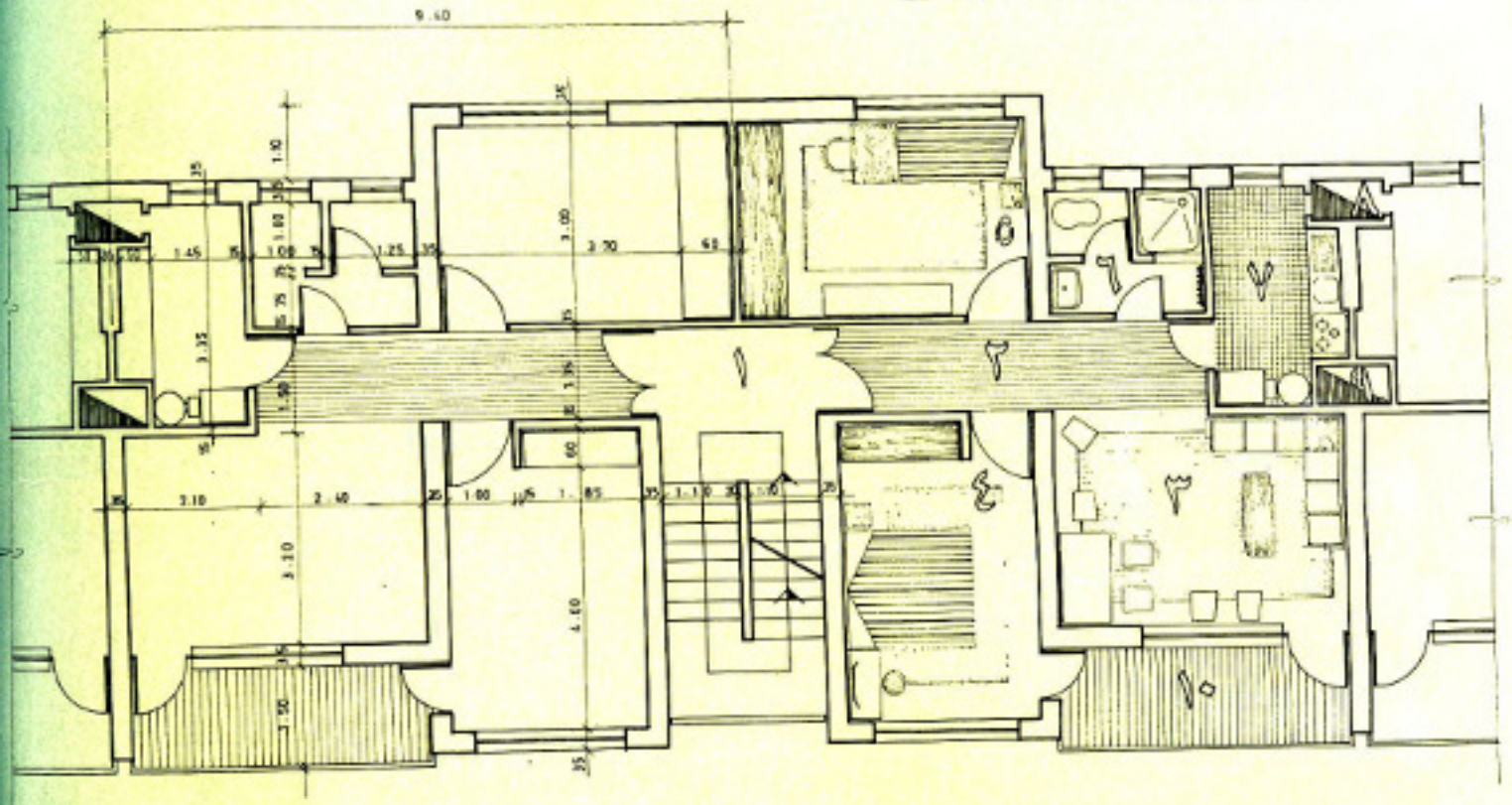

نقشه آپارتمانهای سه‌اطاقه سری دوم کوی چهارم‌آبان

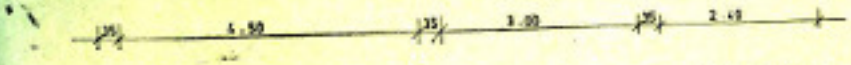

SCALE 1:50

نمای شمالی تیپ A ساختمانهای کوی فرح

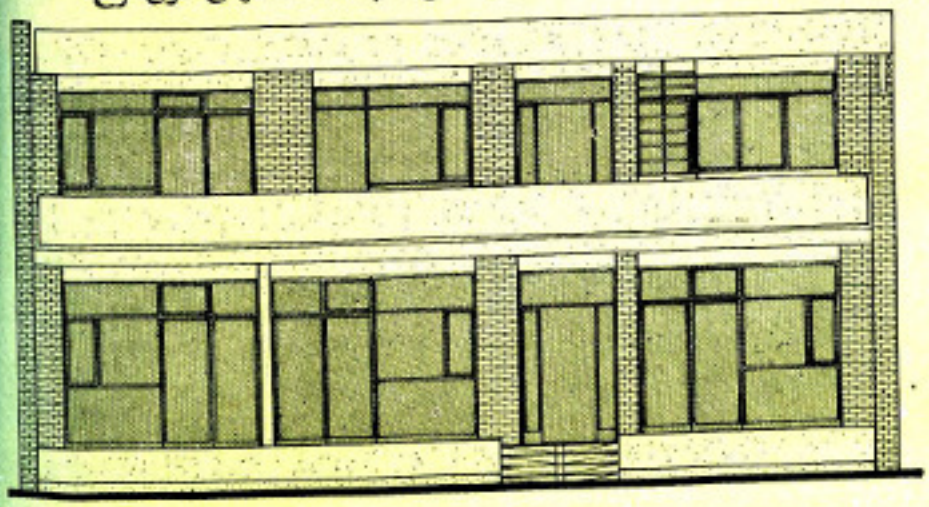

TYPE A
SOUTH ELEVATION

A.A_ 125

ART AND ARCHITECTURE

ENGLISH LANGUAGE SECTION

بخش انگلیسی دانشکده معماری

هنر و معماری

art et architecture

Revue Internationale

No. 10 _ 11

Juin 1971 — November 1972

DIRECTEUR — FONDATEUR :
ABDOL — HAMID ECHRAGH

Responsable de la
Section Française

CENTRE DE TRADUCTION

Administration:
Av. Anatole France
39 rue CHAHNAZ.

Tel : 41784
Téhéran — Iran

ABONNEMENT ANNUEL 11 U.S. $
60 Fr Suisse

IMPAR : ZIBA — TEHERAN
TEL : 301537

Cher Lecteur,

En Occident, la Fête de Noël précède de quelques jours seulement une Année Nouvelle, la 1972 eme depuis la venue de Jésus, le Messie chrétien. En Iran, c'est près de trois mois qu'il nous faut encore patienter pour connaître, lors de l'éveil du printemps précisément, le même renouveau, le 1351 eme à partir de l'Hégire.

Ne pensez pas, Cher Lecteur, après avoir lu ces lignes : voilà deux mondes bien différents sinon inconciliables ! Nous vous répondrions : l'existence dynamique, bien qu'encore jeune, d' ART ET ARCHITECTURE n'est-elle pas une preuve du contraire ?

L'objectif de la Revue est de resserrer plus encore les liens, par le biais des valeurs artistiques, entre notre pays grand parmi les nouveaux venus dans le concert des nations modernes, et ses amis du monde entier.

En 1972, ART ET ARCHITECTURE remplira sa mission en accordant, à sa section française, plus d'importance que par le passé tant au patrimoine artistique qu'aux réalisations modernes architecturales, urbanistiques et archéologiques d'Iran.

ART ET ARCHITECTURE saisit l'occasion pour réitérer que son groupe de travail est au service de ses lecteurs étrangers. Vous nous feriez une réelle joie, Cher Abonné, en nous accordant ainsi d'être simplement votre guide, votre correspondant ou intermédiaire en Iran, pour tout ce qui concerne les Beaux-Arts et particulièrement l'art de bâtir.

ART ET ARCHITECTURE est heureux de pouvoir souhaiter à ses Lecteurs une joyeuse Fête de Noël et de leur adresser ses meilleurs voeux de Nouvel-An.

A.H. ECHRAGH,
Directeur.

L'Esthétique de l'Architecture Achéménide

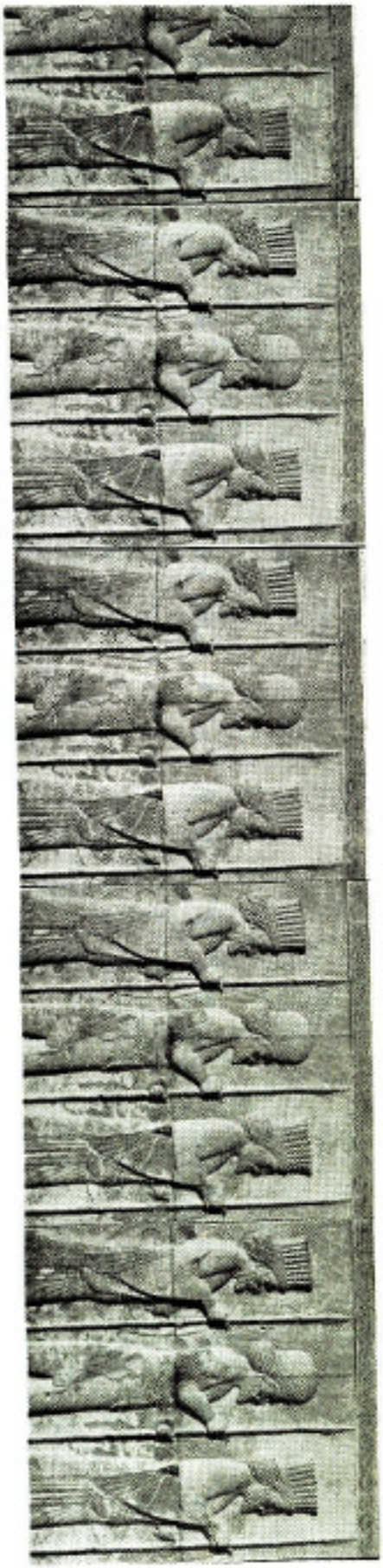

Sous le premier grand empire iranien, fondé par Cyrus le Grand, l'art dénonce un caractère hybride reflétant les multiples influences des traditions artistiques des pays soumis à sa souveraineté. L'usage des panneaux en pierre et en briques émaillées est emprunté à l'Assyrie et à la Babylonie, ainsi que la représentation du taureau à tête humaine et le thème du lion attaquant un taureau, si fréquent à Persépolis.
Les salles hypostyles et l'entablement des portes et fenêtres, dont on appelle les moulures si caractéristiques " gorges égyptiennes ", sont d'inspiration égyptienne, alors que les plis des vêtements reflètent l'influence grecque. D'autres éléments étrangers, ourartéens et mannéens se mêlent à ceux propres à l'Iran, tels les tombeaux rupestres et la forme des colonnes et chapiteaux. De ce fait, les constructions achéménides peuvent être considérées comme le point culminant de l'architecture de l'Ancien Orient.

Les débuts de l'architecture achéménide sur une grande échelle doivent inévitablement être jugés d'après le modèle standard que nous procure l'imposant site de Persépolis. Les tombeaux des rois achéménides, creusés dans le roc et imitant l'architecture des palais, nous aident, par maints détails, à avoir une idée approximative de la façade des bâtiments de l'époque. Mais la meilleure source d'information reste Persépolis avec son nombre impressionnant de palais, de terrasses et d'escaliers monumentaux. Ce sont, d'autre part, les mieux conservés des vestiges de l'époque achéménide. D'après le plan de base, comme il fut identifié tout d'abord par Flandin et Coste (1890), enrichi ensuite de détails additionnels grâce aux fouilles entreprises par l'Institut Oriental de Chicago et récemment complété par le Service Archéologique iranien, il est possible d'établir une reconstitution des palais, dans laquelle aucun trait essentiel ne manque.

A Pasargades, l'on trouve des constructions en ruines et d'imposantes plates-formes, antérieures à Persépolis. Des traces de bâtiments de l'époque achéménide ont également été découvertes à Qazvîn, dans les montagnes entre Ispahan et le Khûzistan ainsi qu'à Hamadân, l'ancienne Ecbatane. Cependant, jusqu'à ce que des fouilles aient été entreprises dans ces endroits, nous devons nous contenter des connaissances que nous apporte l'étude de Persépolis. Les similitudes qui peuvent être établies entre les palais de Persépolis et ceux de Suse, dont les fondations furent posées par Darius, nous prouvent que nous ne devons pas attendre de grandes variations parmi les complexes architecturaux bâtis selon les normes achéménides. Les principales différences sont dues au matériau utilisé et à la technique. A Suse, la brique vernissée a été plus largement enployée, alors qu'à Persépolis ce fut la pierre.

L'architecture achéménide paraît avoir à peine changé, dans son caractère général, depuis l'époque de Darius jusqu'à celle d'Artaxerxès. Dans ce sens, elle ressemble à l'architecture grecque, qui a à peine évolué depuis 600 avant J.-C. jusqu'au 4eme siècle de notre ère. Toutefois, l'architecture achéménide fut, dans son ensemble, encore plus statique que l'architecture grecque. Ce que Darius avait construit à Persépolis, Xerxès et tous les successeurs l'acceptèrent comme le début d'un imposant complexe architectural à poursuivre dans un style plus ou moins uniforme et qui devait présenter un caractère continu. De ce fait, des expériences nouvelles ne furent non seulement jamais tentées, mais encore jamais prises en considération, de telle sorte que les édifices et sculptures de Persépolis peuvent être difficilement distingués et datés avec précision même par un expert.

Vus de loin dans la plaine, les palais de Persépolis devaient sembler insignifiants. Rétorquons qu'ils ne furent pas édifiés pour être impressionnants à distance. La conception de base en architecture fut, à l'origine, celle du solide rectangulaire. Pourtant, contrairement aux édifices grecs, il n'y avait aucune tentative d'établir une proportion adéquate entre les zones rectangulaires et les différents côtés des rectangles, ni de prévoir un rapport harmonieux entre la hauteur et la largeur du bâtiment. Les Achéménides qui paraissaient ignorer les relations géométriques, ont néanmoins instinctivement gardé le sens des proportions idéales ainsi qu'en témoigne le Temple du Feu de Firouzâbâd, appelé aussi le temple de Zoroastre.

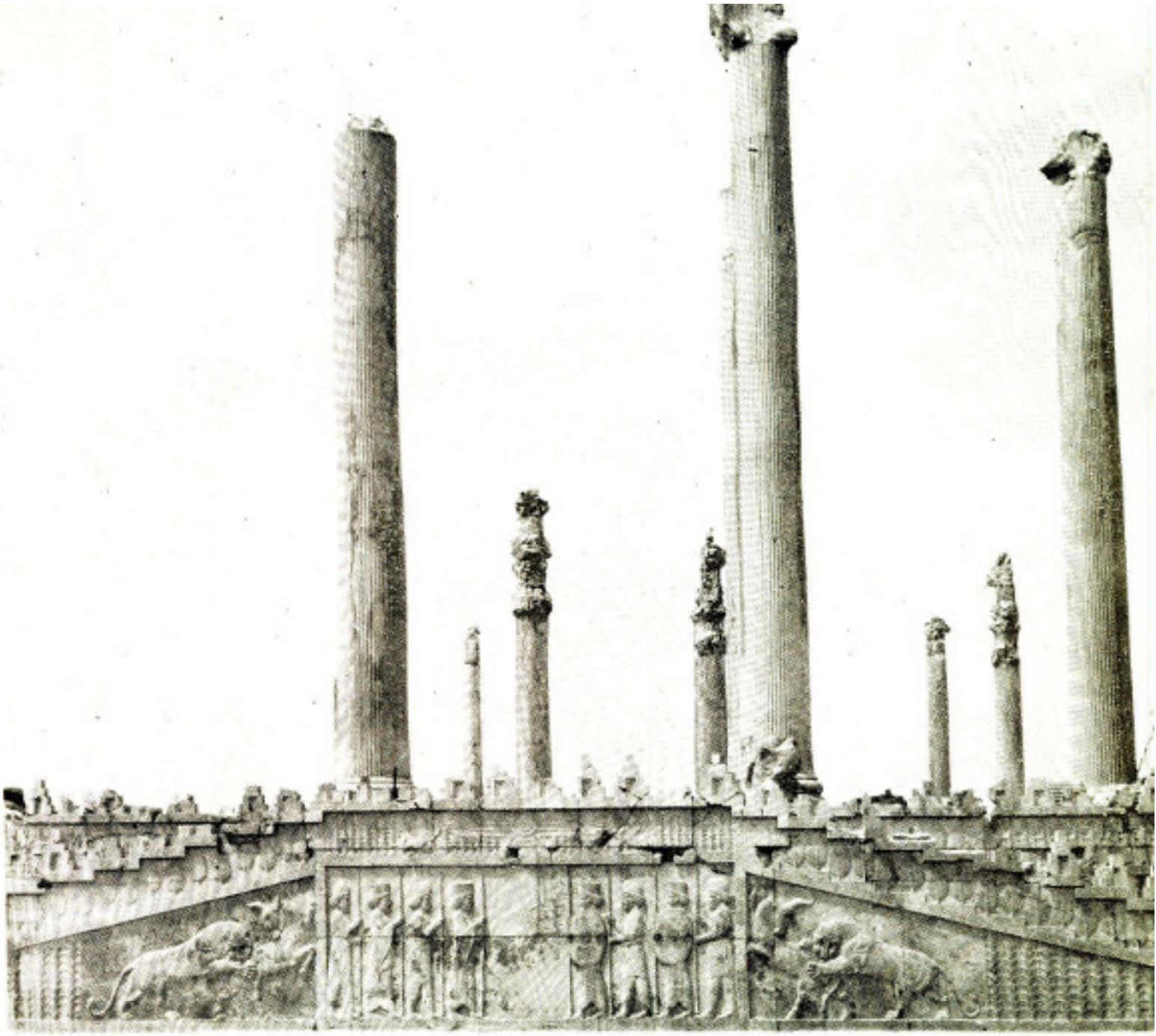

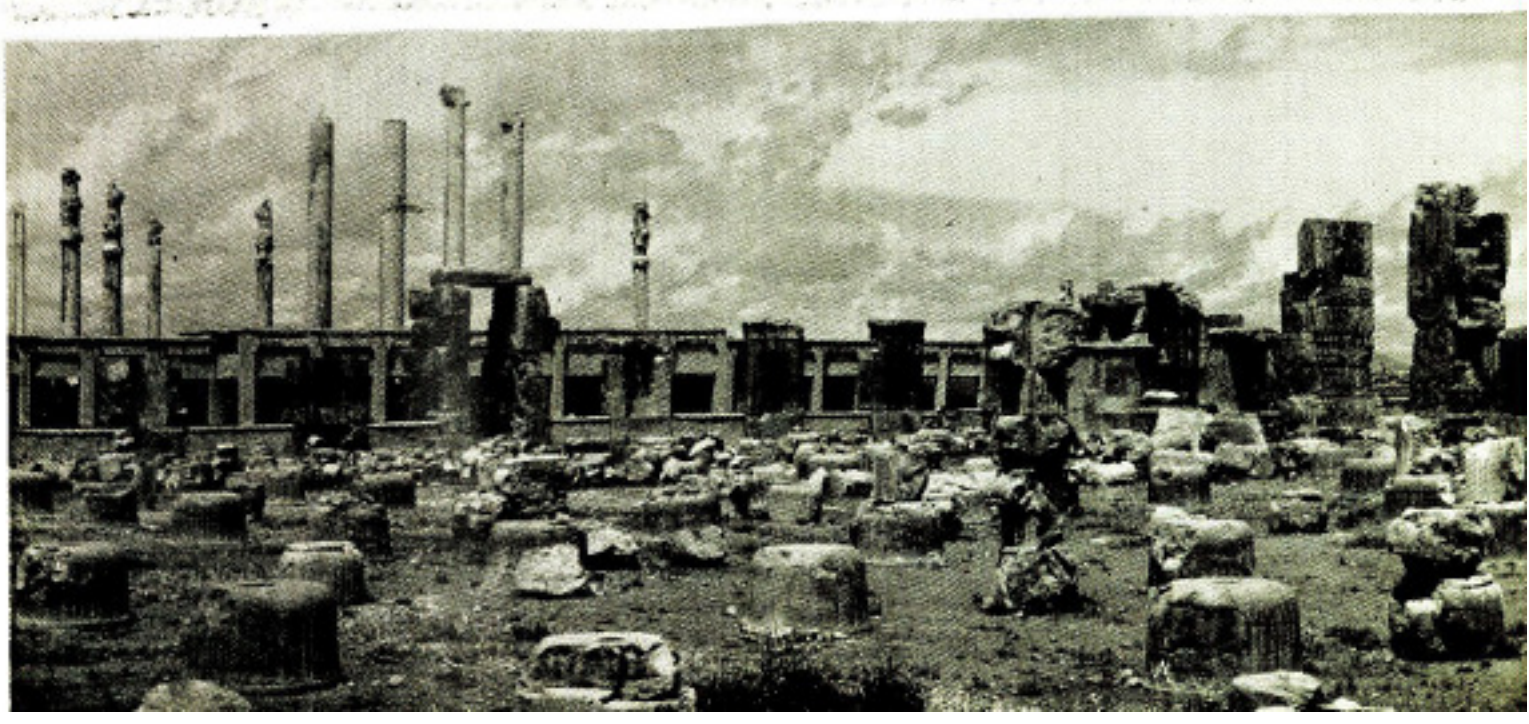

ARCHITECTURE TRADITIONNELLE EN IRAN

ANVAR ZAHIR

Après la seconde Guerre Mondiale, la conjoncture d'une stabilité économico-politique et d'une explosion démographique à Téhéran (210.000 habitants en 1922, 1.510.000 en 1956 et 3.000.000 environ actuellement) fut à la base d'un essor prodigieux de la construction. Le résultat ne se fit pas attendre : la fièvre de bâtir l'emportait sur la raison comme sur le beau et la cadence folle d'une hâte pressée par la demande effaçait toute originalité architecturale du visage de Téhéran.

Sans doute Téhéran apparaissait - elle comme une cité moderne ! Ses immeubles, en effet, ne différaient pas dans leur conception de ceux d'Europe. Mais la capitale était devenue telle une ville sans âme dont les murs ne respiraient plus l'Orient.

Il ne fallut pas longtemps, heureusement, pour que quelques architectes se souvinssent de l'héritage de leurs pères. Lorsqu'ils se penchèrent pour en examiner le contenu, la valeur se révéla être de 8 millénaires ! L'un des plus prestigieux de par le monde! Et il y avait là autant de milliers d'années d'expérience, de réflexion et d'invention que le simple bon sens et le désir légitime d'exalter les valeurs artistiques nationales commandaient de ne point ignorer.

Tout, bien entendu, n'était pas à prendre dans l'architecture du passé. Que retenir et que supprimer du patrimoine architectural d'Iran ?

Avant de répondre à cette question, les architectes eurent l'aubaine de pouvoir tirer la leçon de l'expérience, en fait dramatique, d'un précédent . Il s'agit de l'architecture européenne du XIX eme et du début du XX eme siècle.

C'est l'époque où s'épanouit le néo-gothique en France, Allemagne, Angleterre, Belgique et Pays-Bas. L'Angleterre, marquée par le conservatisme national, est la terre d'élection du néo-gothique. En France, P. ABADIE adopte les styles roman et byzantin pour la basilique du Sacré-Coeur à Montmartre. En Allemagne, le néo-baroque bavarois sévit à Neuschwanstein. En Belgique, J. POELAERT construit l'énorme Palais de Justice dont la masse domine Bruxelles et conjugue tant de styles qu'il serait vain de les dénombrer. On construit dans le style néo-gothique non seulement les églises , mais aussi des édifices publics comme des hôtels de ville, des hôpitaux, des bureaux de poste et même des gares !

Le recul permet de dénoncer les erreurs évidentes à nos yeux de cette architecture : lourdeur, emphase, pastiche, éclectisme et manque de goût. En d'autres mots, l'architecture s'efforçait de travailler dans une perspective historique, mais non originale, et, à plus forte raison, non fonctionnelle.

Un point, cependant, doit être mis à l'actif de cette époque : l'admiration romantique des valeurs du passé entraîna logiquement la conviction qu'il fallait sauvegarder et restaurer les monuments anciens (églises, châteaux,...) en respectant le style original. Cette idée s'est révélée décisive dans le domaine de l'archéologie et son importance n'a certes pas diminué aujourd'hui.

Instruits de ces exemples et mis en garde, les architectes s'attacheront à définir les nécessités auxquelles l'architecture moderne doit répondre. Et lorsque la définition sera acquise, ils s'inspireront uniquement des formes de l'architecture traditionnelle qui sont en conformité avec les principes définis.

Reprenons ici leur raisonnement, et posons-nous tout d'abord la question de savoir quelles solutions rationnelles apporta l'architecture du passé aux facteurs dont l'architecture moderne doit aussi tenir compte.

Pour l'essentiel, ces facteurs déterminants de toute architecture sont au nombre de trois :-le climat
- la nature du sol et l'environnement
- le mode de vie.

Il est certain que des climats différents imposent des formes différentes à l'architecture. Prenons l'exemple caractéristique du toit : il sera à double pente dans les zones pluvieuses et en terrasse dans les zones tropicales. Et dans les deux cas, une protection supplémentaire peut être apportée à l'habitation sous la forme d'une prolongation du toit : avancée pour les couvertures à double pente et portique pour les toits-terrasses.

Le portique, généralement supporté par une colonnade, protège l'habitation du côté sud contre les rayons brûlants du soleil d'été. Un écran d'ombre se trouve ainsi crée devant le mur où sont généralement percées les fenêtres. Rappelons que, grâce aux découvertes archéologiques, l'existence du portique à colonnade en Iran est attestée depuis un millier d'années avant l'ère chrétienne. Il fut surtout mis à l'honneur dans l'architecture palatiale de l'époque achéménide (de 560 à 330) à Suse, Pasargades et Persépolis.

Pour le paradoxe que présente sa couverture, un monument célèbre mérite quelques mots d'explication. Il s'agit du tombeau de Cyrus le Grand (560-330 avant l'ère chrétienne) visible à Pasargades (130 km au nord de Chiraz). Le toit en dos d'âne de cette véritable "demeure" funéraire a tout pour nous étonner du fait de sa situation : en Iran méridional ! En fait, il constitue l'une des preuves de l'origine nordique des Perses achéménides. Ce fut lors de leur séjour prolongé, sous la suzeraineté des Mèdes, dans la plaine de Hamadan que les achéménides furent influencés notamment par l'art d'Ourartou.

De ce que nous venons d'exposer, il apparaît de façon évidente que le climat s'oppose à l'idée d'une architecture nationale. Sous ce point de vue, parler d'une "architecture de climat" est certes plus conforme à la réalité que parler d'une "architecture nationale".

Le climat, en effet, porte à deux conséquences principales. La première est qu'on peut rencontrer dans un même pays les deux formes de couvertures d'habitations. C'est le cas de l'Iran. Dans le Nord, Hamadan et Kermanchah, vues du haut offrent le spectacle de nombreuses villes d'Europe : des toits à double pente. A Ispahan et Chiraz, pour ne citer que des villes connues respectivement du Centre et du Sud d'Iran, les toits-terrasses permettent aux habitants de jouir de la fraîcheur durant les nuits d'été.

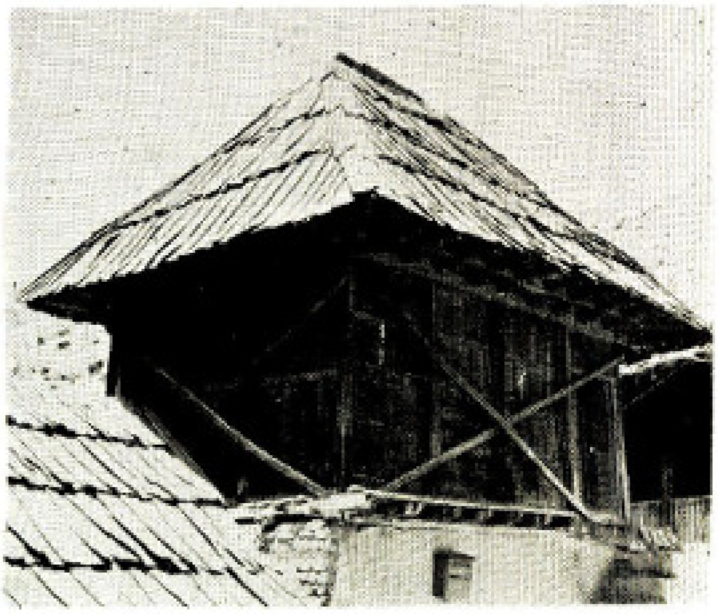

La seconde conséquence est qu'une même forme d'architecture peut être commune à des régions situées aux deux coins du globe pour la seule raison qu'elles sont soumises à des climats identiques. Ainsi, l'habitation recouverte d'un toit en terrasse et précédée d'un portique à colonnade, qui est typique de nombreux pays du Moyen-Orient l'est aussi en Amérique Centrale et du Sud. Les demeures construites sur le plan d'une cour intérieure à péristyle se rencontrent tant en Iran qu'en Grèce, Italie, Egypte... Elles comportent un bassin d'eau au centre, une galerie sur le pourtour qui donne accès aux pièces d'habitation et des petites fenêtres dans les murs extérieurs.

L'architecte du passé a également dû résoudre les problèmes de la nature du sol : terres sismiques, terres marécageuses,... C'est ainsi qu'il éleva les habitations sur pilotis de bois pour les protéger de l'humidité ou de l'instabilité du sol.

Le mode de vie et les coutumes ancestrales de l'Orient eurent une influence déterminante sur l'architecture et particulièrement sur le plan et la disposition des pièces d'habitation. En effet, les relations entre les gens chez eux et l'extérieur étaient réduites et régies surtout par le respect de l'intimité familiale. Le plan des maisons comprenait deux parties bien distinctes : intérieur (en persan : andérouni) et extérieur (birouni). Encore actuellement à Téhéran même, peu nombreuses sont les maisons qui ont réellement pignon sur rue car un haut mur les cache à la vue du promeneur. Derrière cet écran, une cour dallée avec le jardin familial soigneusement entretenu et le bassin d'eau au centre précède l'habitation proprement dite.

PROGRES DES TECHNIQUES DE CONSTRUCTION ET CONSEQUENCES

Il n'est pas faux de dire qu'au XX e siècle les techniques ont progressé dans tous les domaines d'une façon beaucoup plus spectaculaire que durant les deux millénaires qui ont précédé. En matière d'architecture, c'est la portée des trois facteurs précités qui s'est trouvée singulièrement diminuée par les progrès de la technique moderne.

Actuellement, la résistance plus grande des matériaux de construction - charpente métallique, couverture en ciment ondulé,...- permet de faire fi dans une certaine mesure des contingences climatiques.

Les techniques modernes d'aménagement et de confort ont eu des répercussions profondes non seulement sur le mode de vie, mais aussi sur l'élaboration des plans de construction et vice versa. Le conditionnement d'air n'oblige plus les habitants d'Ahwaz (capitale du Khouzestan, province du Sud-Ouest) à vivre dans les caves durant les mois torrides de l'été. D'un autre côté, la vie moderne et les relations qu'elle établit dans la population ont pratiquement supprimé le plan des maisons en deux parties distinctes (andérouni et birouni : cf. ci-dessus).

En ce qui concerne l'influence de l'environnement sur l'architecture, contentons-nous de citer un seul exemple. L'architecture du passé en Iran a été déterminée par la présence ou l'absence de l'un ou de deux des matériaux de construction de base : la brique, la pierre et le bois.

En Susiane (l'actuel Khouzestan), la pierre et le bois font défaut et toutes les constructions de l'antiquité utilisaient la brique crue ou cuite façonnée avec la terre argileuse locale. Encore actuellement d'ailleurs, les villages se confondent dans la couleur du sol environnant.

Pareilles contingences, en théorie, n'existent plus de nos jours du fait de la facilité des communications et de la rapidité des transports. Déjà sous les Achéménides, le réseau routier perfectionné pour l'époque et les moyens hors mesure dont disposaient les Grands Rois permirent d'acheminer, entre autres, du bois de cèdre du Liban à Persépolis.

Ce fut toute l'architecture hypostyle des palais qui s'en trouva améliorée par rapport à son précédent et modèle égyptien : la charpente de bois de la couverture à la place des linteaux monolithes diminua grandement le nombre de colonnes nécessaires et créa de la sorte de vastes espaces intérieurs. L'évolution est évidemment plus tangible de nos jours par la réduction des parties portantes à leurs plus petites dimensions (par exemple les colonnes d'acier). En définitive, il n'est pas exagéré d'affirmer que les techniques modernes ont "dénaturé" l'architecture. Nous entendons par là qu'elles l'ont rendue quasi indépendante de l'environnement et des matériaux que le sol local fournit.

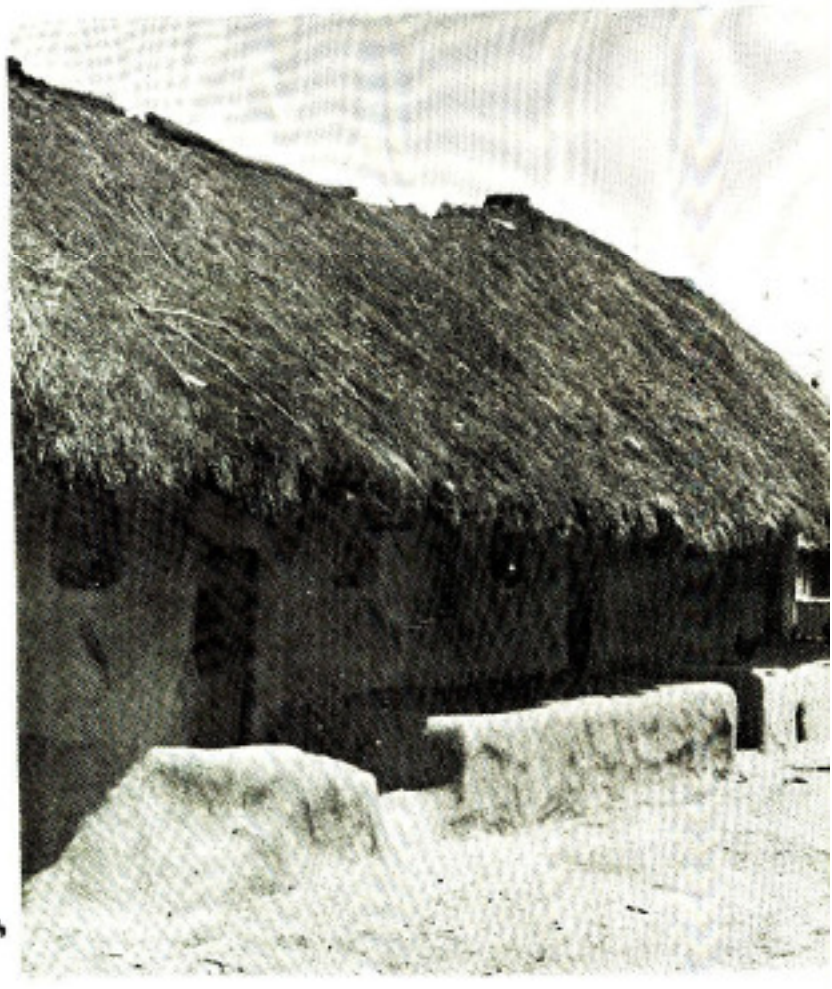

RATIONALITE, FONCTIONNALISME ET FORMES TRADITIONNELLES.

Que faut-il prendre, que faut-il laisser de cette architecture du passé ? Une inspiration sans distinction des formes de l'architecture traditionnelle ne trouverait aucune justification. Comme nous l'avons vu, les techniques nouvelles ont modifié les principes de la construction par l'emploi généralisé de l'acier, de l'aluminium, du béton armé, du béton précontraint,... N'oublions pas le verre dont l'emploi généreux, techniquement impossible par le passé, contribue à la communication des espaces. A ce point de vue, il serait insensé denier son importance dans le seul but de copier certaines formes de l'architecture nationale.

La conclusion s'impose : il s'agit de ne retenir que les formes de l'architecture traditionnelle qui peuvent être adaptées aux impératifs de la vie moderne et de ses besoins. Cette ligne de conduite se résume dans la nécessité de créer des espaces adéquats et de parvenir à une organisation fonctionnelle objective et rationnelle.

Créer en fonction des besoins humains et à l'échelle humaine, c'est là la tâche essentielle de l'architecture moderne. La tâche n'en sera pas terminée pour autant : le corps ne suffit pas, il lui faut donner une âme. L'approche esthétique personnelle de l'architecte entrera alors en jeu et puisera dans l'héritage de l'architecture du passé les formes typiques, mais aussi rationnelles, qui conféreront à son oeuvre originalité, vie et style.

ARCHITECTURE TRADITIONNELLE EN IRAN

LA MOSQUEE MASJED-E SHAH

C'est de la terrasse du palais d'Ali Qâpu que l'on jouit de la plus belle vue sur la Mosquée Royale, merveille de l'art de la période safavide, qui est un exemple prestigieux de l'architecture somptueuse qui fit alors la gloire d'Ispahan.

Parfaitement intégrée au majestueux ensemble impérial de la Meidân-e Shah, elle fut l'oeuvre de Shah Abbas le Grand (1587-1629), et demeure un vivant tribut à sa mémoire, une oeuvre d'art approchant de la perfection.

Trouvant la Mosquée du Sheikh Lotfollah trop exiguë pour les fastes de sa cour, il conçut le désir de faire bâtir une grandiose mosquée royale, qui rendrait plus parfaite la symétrie de la Place Royale, en faisant pendant, du côté sud, au portail de Qaisarieh élevé sur le côté nord. Etant monté sur le trône quelque vingt-cinq ans plus tôt et ayant dépassé de peu la quarantaine, le Roi craignit de ne pouvoir contempler son chef-d'oeuvre achevé. Aussi ordonna-t-il que la marche des travaux soit des plus rapides. L'on raconte à ce propos l'anecdote suivante.

Son architecte, après avoir fait creuser les fondations fit élever les murs. Connaissant les risques qu'encourent les constructions hâtives et la nécessité de permettre à l'édifice de se tasser, il pria le souverain de lui accorder un délai de cinq ans. Le Roi, débordant d'impatience, lui intima l'ordre de poursuivre son ouvrage, le menaçant même de lui faire trancher la tête. En vain; Le consciencieux architecte avait pleinement mesuré le danger de voir, un jour ou l'autre, la mosquée s'écrouler sous le poids de l'immense coupole. De ce fait, s'étant muni d'une chaîne, il mesura la hauteur des murs à l'aide de celle-ci et consigna ses observations par écrit devant témoins. Puis, après avoir caché en lieu sûr chaîne et document, il disparut. Le Roi le fit rechercher, sans résultat. Cinq ans s'écoulèrent et l'architecte réapparut sur le chantier. S'étant fait apporter la chaîne et le document, il pria le souverain de venir constater le bien-fondé de ses craintes. En effet, la construction avait subi un tassement important, les murs s'étant enfoncés dans le sol. Le Roi, convaincu de la sagacité et de l'honnêteté de son architecte, lui pardonna et la mosquée fut alors construite.

Il est à remarquer que déjà dans certaines des premières réalisations du règne de Shah Abbas, les signes d'une hâte excessive sont évidents. C'est ainsi qu'actuellement, le Pont aux Trente-Trois Arches et la Mosquée de Maqsoud Beg révèlent des fissures et des affaissements plus nombreux que la plupart des monuments seldjoukides du 12 eme siècle. D'autre part, la conservation de la Mosquée du Sheikh Lotfollah fut rendue fort difficile aux responsables chargés de cette tâche.

Quoi qu'il en soit, les travaux furent entrepris en l'an 1021 de l'Hégire lunaire, correspondant à 1612 (A.D.) sur l'emplacement d'un ancien caravansérail.

Relevons ce que Eskandar Beg, scribe et historien personnel de Shah Abbas écrit à ce sujet :

۱۰ و ۱۱

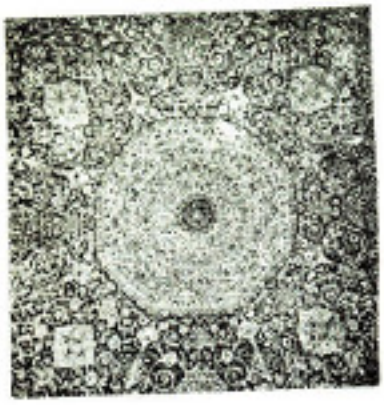

" Vers le début de cette année favorablement commencée et heureusement terminée (1021), le Shah triomphant et victorieux, pressé par sa sage prévoyance, prit la grande résolution de construire une mosquée magnifique au bord de la Place Naqsh'é Jahan, à Ispahan, dont on ne pourrait voir l'équivalent, ni dans aucune autre ville iranienne, ni dans aucun point du monde."

Shah Abbas, souhaitant également économiser du temps et de l'argent, conçut l'idée de prélever les matériaux de sa mosquée en retirant des marbres de Yazd à la mosquée du Vendredi. Fort heureusement, les mollâhs parvinrent à l'en dissuader en le persuadant que, s'il agissait ainsi, sa propre mosquée risquait d'être également, un jour, profanée de la même façon.

Eskandar Beg ajoute à ce sujet :

" Ce fut une de ces coïncidences étranges, comme il en arrive rarement, qu'à ce moment même, on découvrit dans le voisinage d'Ispahan, une carrière de marbre dont personne jusque là n'avait soupçonné l'existence. Ce marbre se trouvait à cet endroit, dérobé aux yeux de ses Créatures par la volonté du Dieu Tout-Puissant, de sorte qu'il pourrait être plus tard utilisé éternellement pour embellir cette noble mosquée. Et ce fut en raison de la très bonne fortune et des desseins élevés de ce Souverain Victorieux que la mine fut découverte à ce moment précis. On peut donc supposer que ce fut un signe clair et un symbole manifeste de la bonne intention et de la foi pieuse du fondateur de la mosquée et aussi de l'inestimable valeur de cet édifice aux Yeux du Créateur, que des plaques de marbre, d'une longueur et d'une largeur telles qu'on ne peut en trouver l'équivalent nulle part ailleurs dans le monde, puissent être destinées à la décoration de ce second Beit-ol-Mamoor."

Commencé en 1612 de notre ère, le grand portail ne fut achevé et décoré que quatre ans plus tard. Ainsi, le Roi ordonna de hâter les travaux, et l'on utilisa, dans les autres parties de l'édifice, au lieu des délicates mosaïques de faïence, des carreaux de kâshis, de fabrication plus rapide et plus simple. L'utilisation de ces carreaux de faïence "haft-rangi", c'est-à-dire à sept couleurs, représenta donc une innovation importante en ne nécessitant pas de main-d'oeuvre qualifiée, mais laissa quelque peu à désirer. Le carrelage timouride et protosafavide avait consisté en véritable mosaïque de faïence. Les pièces de terre cuite, émaillées et monochromes, étaient patiemment assorties et taillées fort précisément pour combler l'espace qui était dévolu à chacune d'elles. Ces mosaïques étaient, à l'origine, travaillées avec art et amour, et leurs motifs s'inspiraient des dessins de tapis, représentant le plus souvent un jardin persan stylisé, parsemé de mille fleurs. Le carreau "haft-rangi" était en général de forme carrée, et présentait l'avantage de combiner un certain nombre de couleurs en une cuisson unique. S'il convenait parfaitement au revêtement d'un mur, puisqu'étant de fabrication plus aisée et moins

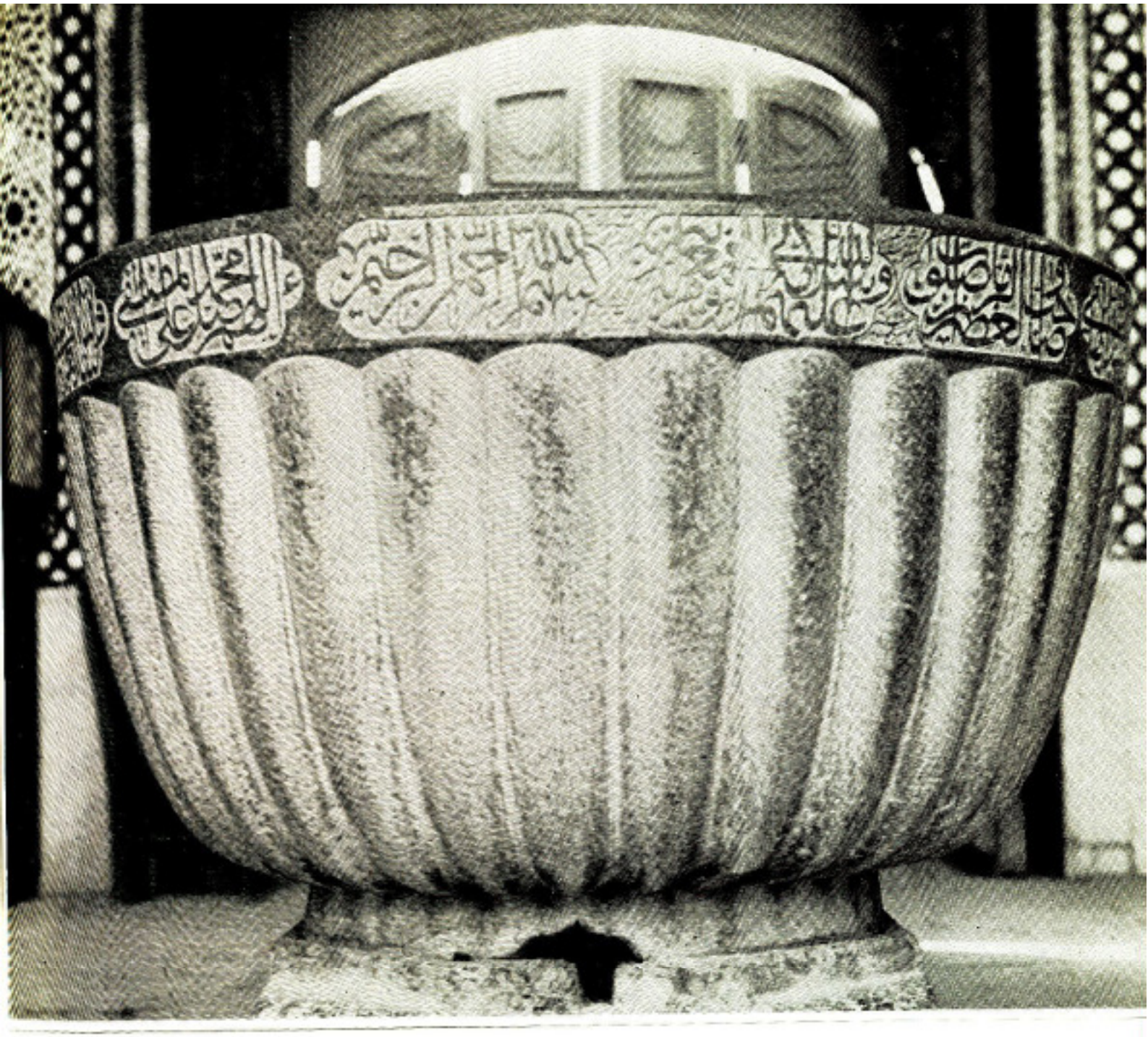

onéreuse ainsi que d'une pose plus facile, il lui manquait cependant l'éclat de la mosaïque travaillée.

Le portail d'entrée de la Mosquée Royale est d'une richesse prestigieuse et d'un aspect grandiose, complétant harmonieusement le somptueux décor de la place. Cette oeuvre, bien que des plus chargées, est cependant l'une des plus heureuses de l'art safavide. Au-dessus de l'entrée, court une frise commémorative portant la date d'achèvement du portail ainsi que l'inscription en caractères tulth, sur fond de mosaïque bleue, libellée comme suit :

" Un décret a ordonné la construction de cette mosquée publique, avec les fonds personnels du Souverain dont les ancêtres furent les plus nobles monarques de ce pays, et qui se dévouèrent le plus pour leur peuple et dont le rang et la dignité étaient les plus élevés parmi les rois, leur raison et leur intelligence plus fermes, leur justice et leur bienveillance plus étendues...